

# امپریالیسم آمریکا پشت دروازه‌های میهن انقلابی ماست

\* رسانه‌های گروهی آمریکا با تبلیغات بیسابقه‌ای افکار عمومی آمریکا را برای مداخله نظامی در ایران آماده می‌کنند.  
\* نیروهای نظامی آمریکا، که در شرایط جغرافیائی مشابه خلیج فارس تمرین میکنند، بسرعت آماده انجام عملیات میشوند.  
\* با اتحاد همه نیروهای خلق، زیر رهبری امام خمینی، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

دولت آمریکا، که از روز جواب رد به پاسخ نهائی ایران در مورد شرایط آزادی «گروگانهای جاسوس، بی‌بسته برای ایران انقلابی خط و نشان میکشد و جنگ و دندان نشان میدهد، اکنون آشکارا ایران را به حمله نظامی تهدید میکند.  
اخبار رسیده نشان میدهد که رسانه‌های گروهی آمریکا، با پخش اخبار و تفسیرهای متعدد، افکار عمومی آمریکا را برای حمله نظامی به ایران آماده میکنند.  
دوشنبه ۱۶ دیماه ۵۹، شبکه‌های تلویزیونی آمریکا فیلمی را از چگونگی تأیید و تدارک هجوم مسلحانه به ایران پخش کردند. در فیلم قسمتی از تمرین یگانهای متعدد نظامی آمریکا، که با استفاده از وسائل فنی و جنگی پیشرفته، در شرایط حداکثر نزدیک به شرایط جنگی، در نواحی صحرائی ایالات آریزونا، کلرادو، نیومکزیکو، بقیه در صفحه ۴

نامه  
مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۶  
یکشنبه ۲۱ دی ۱۳۵۹، مطابق با  
۳ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵۰ ریال

در ادامه نبرد خلق با تجاوزگران صدامی

## ۲۴۰ تن از تجاوزگران صدامی در جبهه‌های غرب به اسارت درآمدند

\* تلفات سنگینی بر دشمن متجاوز در جبهه‌های جنوب و غرب وارد شد.

\* دشمن جنایتکار، مناطق مسکونی آبادان و دزفول را زیر آتش توپخانه قرار داد.

در جاده مادشهر - آبادان، یک دستگاه نفربر زرهی، یک دستگاه غلطک جاده‌سازی، ۳ سنگر خمپاره‌انداز، یک سنگر توپ ضد هوایی و ۶ سنگر انفرادی دشمن منهدم و ۸ تن از دشمنان به هلاکت رسیدند. در همین منطقه یک سنگر توپ ۱۳۰ میلیمتری دشمن نیز نابود شد و ۲ قبضه توپ و چندین سنگر متجاوزان در جاده دارخوین - مارد، در نزدیکی آبادان منهدم شد. ضمناً یک فروند هواپیمای خودی روز گذشته در منطقه ماهشهر دچار سانحه شد و خلبانان آن سالم نجات یافتند و علت حادثه تحت بررسی است.

۲- توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران از بمباران دیروز (جمعه) مناطق صبیبه، المعام، الدوعیب و سیحان را به شدت زیر آتش خود گرفت و تلفات و ضایعاتی به دشمن وارد شد.

۳- مواضع قوای عراقی در الفدائیه، توسط رزمندگان دلار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با موشک هدف واقع و خسارات و آسیب فراوان به دشمن وارد شد.

۴- دشمنان انقلاب اسلامی همچنان ددمنشانه به تلافی شکستهای متضخانه خود با آتش بقیه در صفحه ۴

انقلاب در روز ۱۹ دیماه ۵۹ اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

«الف- نتایج عملیات نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران:

۱- انهدام ۱۵۰ دستگاه خودروی نظامی و وارد کردن خسارت به نیروهای دشمن به میزان ۸۰ درصد در جاده غرب اهواز.

۲- انهدام بیش از ۸۰ درصد نیروهای زرهی و پیاده دشمن در جاده هویزه.

۳- حمله به یک ستون زرهی و پیاده در حال حرکت دشمن و انهدام تعداد ۱۵ دستگاه تانک به میزان ۶۵ درصد و انهدام یک قبضه توپ.

۴- انهدام ستون زرهی و توپخانه دشمن به میزان ۴۰ درصد، قطع خطوط مواصلاتی دشمن در جنوب غربی جوفیر.

۵- حمله به مواضع کافران در اطراف آبادان و خوتین شهر، بمباران مواضع مزدوران در منطقه سیحان و وارد کردن تلفات و ضایعات زیاد به دشمن.

ب- عملیات سایر نیروها:  
۱- با آتش یگانهای خودی

ساعت ۲۱:۴۵ جمعه شب از جبهه‌های غرب کشور دریافت داشت، گزارش داد:

«نبرد از ذهاب تا مهران در مناطق مرزی استانهای کرمانشاهان و ایلام همچنان ادامه دارد و حیات دیروز رزمندگان جمهوری اسلامی ایران با سلاحهای سنگین و سبک و عملیات چریکی و نبرد تن به تن در جبهه‌های گیلانغرب، مهران، کانی سخت و ذهاب ادامه داشت.»

برپایه آخرین گزارشها، رزمندگان انقلاب روز جمعه، ۸ تانک و نفربر، ۲ چادر مهمات، ۲۶ سنگر آرایشی، ۳ سنگر جمعی نیروهای دشمن را در

عملیات خود منهدم کردند و ۳ تانک سوخت و ۱۱ خودروی دشمن را به آتش کشاندند و یک اسکوی پرتاب موشک عراق را با ذخایر موشکی و مهمات مربوطه به

غنیمت گرفتند. در عملیات روز جمعه آمار کشته‌شدگان نیروهای صدام مزدور تا زمان مخابره خبر، ۲۶۸ تن کشته و مجروح و ۲۴۰ نفر نیز اسیر اعلام شده است. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز، در اطلاعیه ۳۶۹ خود، شرح عملیات رزمندگان

نبرد رزمندگان جمهوری اسلامی ایران با تجاوزگران صدامی در تمام جبهه‌ها به شدت ادامه دارد.

خبرگزاری پارس، از کرمانشاه، برپایه آخرین گزارشهایی که تا

### ۳ هوادار حزب توده ایران در بم آزاد شدند

سه تن از هواداران حزب توده ایران در بم، بنامهای محمود قنبری پور، رضا مومن آبادی و رضا محمد آبدادی، که در بازداشت بودند، آزاد شدند.

ما ضمن ابراز خوشحالی از آزادی این رفقا، خواستار اتخاذ تدابیری برای ممانعت از وقوع مجدد این حوادث، که به زبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمام می‌شود، هستیم.

### در صفحات بعد

با ملی کردن بازرگانی خارجی، دست واسطه‌های سودجو را از معاملات آهن کوتاه کنید!

صفحه ۶

**کارنامه ۱۸ ماهه سیاست خارجی لیبرال‌ها (۱)**

سیاست خارجی دولت موقت لیبرال‌ها در جهت خلاف اهداف انقلاب ایران حرکت می‌کرد

راندگان کامیون:  
با داشتن تسمیلات، حاضریم شب و روز کار کنیم تا کالاها را به مقصد برسانیم

دهقانان آماده دفاع از انقلابند

صفحه ۴  
صفحه ۵  
صفحه ۶

هشدار سازمان جوانان توده ایران به مناسبت توطئه ضد انقلاب، لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها به بهانه بازگشایی دانشگاه

## باهشیاری و اتحاد، توطئه ضد انقلاب را در روز ۲۳ دی خنثی کنیم!

چندی است که ضدانقلاب، لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها تحت لوای «بازگشایی دانشگاه‌ها»، تبلیغات و فعالیت گسترده‌ای را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند. روزنامه‌های لیبرالی و نشریات گروهک‌های مائوئیستی، هم‌صدا با رادیوهای ضدانقلاب، روزی نیست که مقاله‌ای در مدح علم و دانش، و ضرورت بازگشایی دانشگاه‌ها و دفاع از سنگر آزادی، ننگارند و به محکوم کردن «انحصارطلبان، مرتجعین» و «دشمنان علم و آزادی» نپردازند!

در شرایطی که امپریالیسم - بسرکردگی امپریالیسم آمریکا - و تجاوزگران صدامی میهن ما را آماج حمله و تجاوز قرار داده‌اند، در شرایطی که امپریالیسم آمریکا، پس از شکست توطئه تجاوز رژیم صدام و به بهانه «آزادی گروگانها»، توطئه هتیم خود را برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است، تشدید حملات تبلیغاتی علیه نیروهای انقلابی بیرو خط امام خمینی و ایجاد جو تشنج و درگیری تحت لوای «بازگشایی دانشگاه‌ها» نمی‌تواند تصادفی باشد. این تبلیغات و تشنج آفرینی‌ها جزئی

### در آمریکا هیستری

## ضد ایرانی دامن زده میشود

در ایالات متحده آمریکا به هیستری ضد ایرانی همچنان دامن زده میشود.

روزنامه «سانفرانسیسکو گزاینر» معتقد است که «جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری آمریکا، با ابراز موافقت به مذاکره با بربرها، دچار خطا شده است» و مینویسد:

«ریگان باید به ایرانی‌ها حالی کند که ایجاد مجازات خیلی گسترده‌تر از چارچوب مزایایی خواهد بود، که آنها با نگهداشتن گروگانها امیدوارند بدست آورند.»

این روزنامه آمریکایی، در چارچوب توصیه‌های مشخص خود به مقامات آمریکائی، پیشنهاد میکند که «صدا و سی‌ای جمهوری اسلامی ایران» منفجر شود.

از سوی دیگر، باکلی، یکی از مرتجعان سرشناس ایالات متحده، ریگان را فراخوانده است که به ایران اعلان جنگ کند. وی در روزنامه «واشینگتن استار» نوشته است که، این امر باید پس از اتمام حجتی دوهفته‌ای انجام گیرد. از جمله دیگر توصیه‌های باکلی به «کاخ سفید»، شناسایی دولتی مرکب از مهاجران ضدانقلابی در تبعید است!

### تصحیح لازم

در سه شماره گذشته نامه «مردم» متأسفانه شماره حساب بانکی به نام تقی کی‌منش مخصوص کمک مالی اشتباهاً ۳۹۸۸ به چاپ رسیده است. شماره صحیح آن ۳۲۳۲ است. با پوزش از علاقمندان به کمک مالی به حزب، خواهشمندیم شماره صحیح را در نظر گیرند.

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

## ۲۴۰ تن از...

بقیه از صفحه ۱

پراکنده توپخانه، مناطق مسکونی دزفول را هدف قرار دادند که در نتیجه ۵ خانه مسکونی ویران و به چند خانه نیز خسارت وارد شد. در جریان این جنایت وحشیانه صدام مزدور، ۲ تن از هموطنان غیرنظامی دزفولی، ماه شهبید و ۶ تن مجروح شدند. ضمناً چند هواپیمای دشمن که در آسمان دزفول ظاهر شده بودند با آتش پدافند هوایی، متواری شدند. ۵- بر اثر حمله نیروهای دلارز ما به مواضع دشمن در منطقه گیلانغرب، ۴ دستگاه تانک، ۲ دستگاه خودرو و ۲ دستگاه نفربر و یک چادر مهات دشمن بکلی نابود شد و حدود ۲۰۰ تن از قوای کفر کشته و زخمی شدند.

## توجه!

مقالات زیر، که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:  
\* امپریالیسم وحشی و تجاوزگر آمریکا جنگ و دندان نشان میدهد (شماره ۴۱۰):  
\* ضرورت یک سازی بکونی برای دیگر (شماره ۴۱۴).

## امپریالیسم امریکاپشت...

بقیه از صفحه ۱

نوادا و کالیفرنیا انجام میگیرد، نمایش داده شد. در فیلم شیره های مختلف عبور از مرز ایران با هلی کوپترهای سنگین مخصوص پیاده کردن نیرو، بویژه در سواحل خلیج مکزیک، که شباهت بسیاری به خلیج فارس دارد، به نمایش درآمد. این فیلم از عملیاتی تهیه شده بود که از مدتها پیش آغاز شده و در آن کارشناسان مبارزه با «تروریسم» (نامی که جنایتکاران آمریکائی به مردم قهرمان ایران داده اند) که رسماً از انگلستان، آلمان غربی، ایتالیا و اسرائیل دعوت شده اند، در کنار کارشناسان آمریکائی، تعداد بیشماری از سربازان آمریکائی را در شرایط شبیه شرایط اقلیمی ایران تعلیم میدهند.

بخش دیگری از این تأملات، از مدتها پیش، در مصر آغاز شده است و در روزهای اخیر، به گزارش روزنامه «شرق الأوسط» با افزایش تعداد سربازان آمریکائی، دامنه وسیعتری بخود گرفته است. این روزنامه، که چاپ عربستان سعودی است، در این باره می نویسد: «پنتاگون نیروهای آمریکائی را، که برای عملیات جنگی علیه ایران تعیین شده اند، در شرایط کاملاً محرمانه در خاک مصر آماده میسازد. دوازده سرباز و افسر آمریکائی در میدانهای تیراندازی مصر تعلیم می یابند و شمار آنها ممکن است بزودی به نامتبعیت عملیات تجاوزکارانه جدید علیه ایران افزایش یابد».

در همین حال جرلید آمریکا اطلاع میدهند که مجدداً تیپ هفتم تفنگداران دریائی آمریکا، که بعد از شکست آمریکا در ویتنام منحل شده بود، مرکب از ۱۲ هزار سرباز، تشکیل میگردد. سربازان این تیپ در صحرائ نوادا در کالیفرنیا، که شرایط آن با شرایط منطقه عملیات در خلیج فارس شباهت بسیار دارد، تعلیم می یابند. همزمان با اعلام این اخبار، «۱۸۰۰۰ افسر و سرباز به سمت سواحل خلیج فارس حرکت کرده اند» (آزادگان - ۱۷ دی ۵۹).

این سربازان، که با سه کشتی مخصوص پیاده کردن نیرو، از دریای جنوب چین به اقیانوس هند روانه شده اند، بناو گروه نیروی دریائی آمریکا، که در سواحل ایران شناور است، خواهند پیوست. علاوه بر اینها، به دو گروه آمریکائی، که اکنون مرکب از سی و چهار ناو جنگی، منجمله دوتاو هواپیما، در سواحل خلیج فارس شناور است، یک ناو حمل و نقل بزرگ نظامی، بنام «نیگاراپولس»، ملحق خواهد شد. اطلاعات موجود همچنین حاکی است که هم اکنون هفت کشتی از «انبارهای خط مقدم»، که باید یگانهای تفنگداران دریائی آمریکا را از لحاظ تسلیحات سنگین، مهیات و جنگ افزار در طول چند هفته تا این کنند، در اقیانوس هند شناورند. فزون بر این، روزنامه «نیویورک تایمز» اطلاع میدهد که، برای تأمین نیروهای تجاوزکار آمریکا، که به «نیروهای واکنش سریع» موسوم شده اند، فرماندهی نیروی دریائی آمریکا یگانهای متشکل از ۵۰ هزار نفر اختصاص داده است.

## تهدید آشکار ایران

اخبار رسیده از آمریکا حاکی است که، همزمان با آماده شدن سریع امپریالیسم آمریکا برای لشکرکشی به ایران، رسانه های گروهی آمریکا، در تبلیغات دامنه دار خود، ایرانیان را «وحشی» می خوانند و چنین وانمود می کنند که آمریکا قصد دارد برای نجات «دیپلمات ها» از چنگ «وحشی» هائی که برای آزادی آنها از آمریکا «باج» میخواهند، به ایران حمله نظامی کند.

روزنامه «نیویورک تایمز» از گان بخشی از انحصارات آمریکائی، می نویسد:

«پنتاگون در نظر دارد به تهران و اصفهان ضربه بزند، زیرا یگانهای نظامی مستقر در منطقه ایندوشهر، به علت انتقال نیروی نظامی به عرصه عملیات جنگی با عراق، تضعیف شده اند».

روزنامه «واشنگتن پست»، از گان بخشی دیگر از انحصارات آمریکائی، از مقامات آمریکائی میخواهد که، علاوه بر منفجر کردن جزیره خارک و صاحب آن، جزیره لاوان، که در آنجا یک پایگاه هوئی ایران وجود دارد، اشغال گردد و خلیج فارس بروی کشتی های ایرانی بسته شود.

برابر آخرین گزارشها، پیشروی قوای اسلام در گیلانغرب ادامه داشته و تعدادی ادوات زرهی و جنگ افزارهای دشمن نیز به غنیمت گرفته شده است که جزئیات آن متعاقباً اعلام خواهد شد. ضمناً در روز ۱۹ دیماه ۵۹ علاوه بر ضایعات و تلفات مذکور حدود ۸۰ تن از سربازان صدام نیز در همین منطقه به اسارت گرفته شده اند.

۶- در یک عملیات هماهنگ که توسط پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران، پاسداران انقلاب اسلامی، پیشمرگان مسلمان کرد و دیگر رزمندگان کرد، علیه قوای دشمن در خرمال در منطقه مریوان انجام شد، ۲ دکل مخابراتی، ۲ عراده توپ، ۲ پاسگاه و ۲ انبار مهمات مزدوران ناوود و تعدادی از سربازان دشمن

شبهه تلویزیونی «ا. بی. سی»، بعد از پخش فیلم عملیات ترمیمی برای حمله به ایران، خیر میدهد که در آمریکا تدارکات برای عملیات جدید پیاده کردن نیرو در ایران سرعت در جریان است. «هارت ووتی» خبرنگار این شبکه تلویزیونی، گفته است که در پنتاگون نقشه های مفصل اجرای این عملیات در دست تهیه است و هر چه بارسته نیروهای مسلح آمریکا تعلیمات خود را برای اجرای این نقشه سرعت بخشیدند. همین خبرنگار از شبکه تلویزیونی یاد شده اعلام کرده است که، مشاوران ریگان، استفاده از کماندوهای آمریکائی را بعنوان یکی از راههای حل بحران کاملاً مجاز و ممکن می شمارند. این شبکه تلویزیونی در عین حال اعلام کرده است که، تلفات جانی و خسارات مالی ناشی از این اقدام، حتی بسیار زیاد خواهد بود.

دراوج تبلیغات «امپریالیسم خبری» برای آماده کردن افکار عمومی جهان و بویژه آمریکا برای حمله نظامی آمریکا به ایران به بهانه «گروگانها»، مقامات آمریکائی نیز رسماً از حمله نظامی به ایران سخن می گویند. به گزارش روزنامه اطلاعات (۱۶ دی ۵۹): «به اعتقاد کارشناسان استراتژیکی واشنگتن، جنگ بین ایران و عراق نیروهای انقلابی اسلامی را تضعیف کرده و شرایط لازم برای یک مداخله نظامی در امور داخلی این کشور ها را فراهم میسازد».

بر همین اساس: «جودی پاول، سخنگوی کاخ سفید، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «سی. بی. سی» آمریکا، اعلام کرده است که، اگر ۵۴ گروگان آمریکائی محاکمه شوند، برای ما هیچ امکانی جز دست زدن به «عمل» نخواهد ماند».

(کیهان - ۱۶ دی ۵۹)

گیب-نجر، که همراه گروهی دیگر از سردمداران انگلیسی و آمریکائی در خاورمیانه پرسه میزند، تا بخشی دیگر از نقشه امپریالیسم آمریکا را اجرا کند، نیز اعلام کرده است: «گروگانهای آمریکائی که ۱۴ ماه است در ایران در گروگان بسر میبرند، اگر در دادگاه محاکمه و یا اینکه به آنها لطمه ای وارد آید، ایالات متحده آمریکا دست به یک تهاجم نظامی خواهد زد».

(کیهان - ۱۶ دی ۵۹)

## هموطنان قهرمان!

مجموعه تدارکات و تهدیدات امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، باضافه توطئه های این دشمن اصلی خلق های ایران و جهان در خاک میهن ما، حاکی از این است که امپریالیسم یانکی در آستانه اجرای توطئه هفتم خود علیه انقلاب شکوهمند ایران است. این توطئه، همانطور که در روزهای اخیر امام جمعه تهران و وزیر مشاور در امور اجرائی هم در مورد آن هشدار داده اند، این بار میتواند تهاجم مستقیم نظامی امپریالیسم آمریکا به خاک میهن انقلابی ما باشد. اکنون امپریالیستهای آمریکائی، چنانکه خود آشکارا اعلام میکنند، درصدد اجرای این توطئه خطرناک هستند که نه فقط انقلاب ما، بلکه مستقیماً صلح جهانی را نیز در معرض خطر قرار خواهد داد.

## هم میهنان مبارز!

اینک همه می دانیم و خوشبختانه مقامات مشرول کشور هم باها تایید و تاکید کرده اند که، «گروگانها» بهانه اند، آمریکا ایران را میخواند. جنجالی که در زیر نام «گروگانها» انجام میشود، تنها برای پرده کشیدن بروی توطئه اصلی آمریکا در برابر افکار عمومی جهان است. مساله «گروگانها» بهر شکل حل شود و یا نشود، «گروگانها» چه آزاد شوند، چه محاکمه شوند، امپریالیسم آمریکا از ایران دست نخواهد کشید. چنانکه تجربه خونین تاریخ معاصر نشان داده است، امپریالیستها تا وقتی از تسلط دوباره بر ایران انقلابی بکلی ناامید نشده باشند، به انواع توطئه ها، که آخرین آنها حمله مستقیم نظامی است، دست خواهند زد.

## باهشیاری و اتحاد...

بقیه از صفحه ۱

است از یک برنامه حساب شده امپریالیسم، که هدف آن از یک سو ایجاد درگیری و ناراضایی در درون کشور و از سوی دیگر زمینه سازی برای تبلیغات گسترده و بی اعتبار کردن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقیاس بین المللی است. آخرین اخبار و اطلاعات رسیده حاکی از آن است که در روز ۲۳ دیماه، که مصادف است با سالگرد پیروزی دانشکاهیان بر رژیم مغفور پهلوی و بازگشایی دانشگاهها، ضدانقلاب قصد دارد که به بهانه «بازگشایی دانشگاهها» به ایجاد درگیری و تشنج بپردازد و زمینه را برای اجرای توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا مهیا سازد.

سازمان جوانان توده ایران، بشابه یک سازمان متعهد و مسئول و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، توجه مردم، جوانان و دانشجویان متعهد و انقلابی و مسئولین امر را به این توطئه جدید جلب می کند.

سازمان ما از بدو تعطیل دانشگاهها، مواضع و نظریات خود را پیرامون این مسئله به صراحت بیان داشت. از نظر ما «انقلاب فرهنگی»، و به عبارت دیگر، تغییر بنیادی نظام آموزشی - و از جمله آموزش عالی - ناشی از نیازها و ضروریات انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران است. انقلاب شکوهمند مردم ایران می طلبد که نظام آموزشی - و از جمله آموزش عالی - بر اساس خواستهای زحمتکشان و پریمیای نیازهای رشد جامعه، تغییر بنیادی یابد و بقایای نظام نواستعماری و بورژوازی آموزشی از آن زدوده گردد.

ولی به نظر ما تعطیل درازمدت دانشگاهها به هیچوجه لازمه این تحول نبوده و نیست. ما بارها در اعلامیه ها و مقالات مندرج در نشریات خود درباره این مسئله سخن گفته ایم و تاکید کرده ایم که تنها با بازگشایی دانشگاهها و مشارکت همه دانشکاهیان و دانشجویان متعهد و انقلابی است که تغییر بنیادی نظام آموزشی عالی می تواند به نحو موفقیت آمیز و سریعی انجام گیرد.

به نظر ما، ادامه تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی، زمینه را برای ناراضایی صدها هزار دانشکاهی از استاد و دانشجو، و همچنین دیپلمه پشت کنکور و خانوادگی آنان فراهم می آورد و محیط مناسبی برای فعالیت ضدانقلاب، لیرالها و مائوئیستها مهیا میسازد.

سازمان جوانان توده ایران از همه جوانان و دانشجویان متعهد و انقلابی می طلبد که با هشیاری و اتحاد، با درک شرایط حساس کنونی و آغاز توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا بمنظور براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی، تمام نیرو و توان خود را در جهت جلوگیری از تشنج و خنثی کردن توطئه فوق به کار گیرند.

سازمان جوانان توده ایران، همچنین از مسئولین امر می طلبد که با توجه به توطئه ضدانقلاب، لیرالها و مائوئیستها برای ایجاد درگیری و تشنج در روز ۲۳ دی، تدابیر جدی برای جلوگیری از آن اتخاذ کنند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

زنده باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در جبهه متحد خلق!

سازمان جوانان توده ایران  
۱۳۵۹/۱۰/۲۰

## کمک بیدریغ دولت بریتانیا به ضدانقلابیون

### لپستانی

ضد انقلابیون لپستانی، که پس از جنگ جهانی دوم به بریتانیا گریختند، اینک فعالیت های ضد لپستانی خود را شدت بخشیده اند و، بکمک فعالانه مرتجع ترین سازمانها و محافل بریتانیا، به گردآوری وجوه برای عناصر ضد سوسیالیست در داخل لپستان اقدام ورزیده اند.

ضد انقلابیون لپستانی از کمک بیدریغ مقامات رسمی بریتانیا برخوردار میشوند. برای نمونه، «دولت مهاجر لپستان» در ساختمانی مستقر است، که دولت بریتانیا به آنها بخشیده است.

## مردم انقلابی ایران!

خطر آمریکا جدی و فوری است. دشمن خونخوار اکنون در پشت دروازه های میهن ماست و نفس جبهه ما را فضا میهن ما را آورده است. اما دشمن با همه قلدری خود شکست ناپذیر نیست. برعکس، خلق متحد ایران خواهد توانست مشت محکم دیگری بر پوزه خونین دشمن بکوبد و توطئه جدید او را نیز درهم بشکند. بی شک خلقهای قهرمان ایران بردشمن پیروز خواهند شد اما به یک شرط، فقط به یک شرط: اتحاد همه نیروهای خلق به رهبری امام خدین. در این صورت، همانطور که رهبر انقلاب گفته اند: «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند!»

## خلق های دلاور ایران!

هشیار باشید! متحد شوید و برای مقابله با دشمن اصلی خود، امپریالیسم آمریکا، آماده باشید!

# کارنامه اما نه سیاست خارجی لبرال ها

## سیاست خارجی دولت موقت لبرال ها در جهت خلاف اهداف انقلاب ایران حرکت می کرد

که مورد نظر آنهاست. گرچه گفته می شود که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی دوران گذشته، طرح و هدف معینی نداشته است، ولی بایده این حقیقت افزود که لبرال ها، یعنی طراحان و مجریان اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، به هیچ وجه بدون طرح و هدف نبوده اند و اگر گاه "آشفتنی" و "ناسامانی" و "ابهام" در سیاست خارجی لبرال ها به چشم می خورد، معلول آن بود که لبرال ها در پیشبرد خط مشی خویش با "دشواری های" مواجه بودند، که به طور عمده از جانب نیروهای انقلابی و بویژه رهبر انقلاب، امام خمینی، ناشی می شد! اگر لبرال ها در عملی ساختن سیاست خارجی مورد نظر خود به طور کامل و از هر نوع "قید" "آزاد" بودند، بی شک تا کنون اثری از انقلاب باقی نمانده بود، تا بتواند در سیاست خارجی خود تصحیحات لازم و جدی وارد سازد. برای آن که بینیم چرا و چگونه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از دو سال تقریباً درجایی فرار دارد که در واقع در همان اوان انقلاب فرار داشت، باید به این سیاست خطرناک، که از جانب لبرال ها، اعمال می شد و انقلاب ایران را به سوی ناآلودی سوق می داد، نظر بیافزیم.

### از نظر لبرالها امپریالیسم آمریکا «دوست» انقلاب و نه دشمن اصلی و شماره یک آن است!

مسئله محوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چگونه برخورد با امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم جنایتکار، غارتگر و تجاوزکار آمریکا بوده و هست. انقلاب ایران، انقلابی است با ماهیت ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه، که ضربات شدید و مهلکی را بر بیکر صنایع غارتگرانه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا در ایران وارد ساخت. رژیم فاسد و جنایتکاری را که سرا و آسینه به امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا بود، سرنگون ساخت، ده ها هزار مستشار نظامی آمریکا را، که ارتش ایران را به رانده ارتش آمریکا و به اهرم سیاست های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در منطقه بدل ساخته بود، سرورن کرد و بازار ده ها میلیارد دلاری اسلحه و کالا را از جنگ امپریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بیرون آورد. انقلاب ایران برای استمرار و بقای خویش و دستیابی به آرمان های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه و عدالت طلبانه خود می بایست با این قدرت ستمانی و تجاوزگر، که حتی یک قدم از نوطی به منظور نابود کردن آن دست نکشده و نمی کشد، فاطانه مقابله کند، فراردهای اارتباری را که رژیم مغرور بهلوی با انحصارات آمریکایی ست، لغو کند و در مقابل عقبه در صفحه ۶

عرصه داشتند. اما سکان داران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، دست رد بر سینه آنها نهادند و حتی محافظی از هیچ تلاشی برای ایراد تهمت و افترا به آنان فروگذار نکردند. "ما متوجه شدیم که اصولاً در حرکت سیاسی خارجی در این دو سال گذشته، در این جاهایی که ما رفتیم، نه طرح دوستی داشتیم و نه درست عمل کردیم. اولین گله های مسئولان این که... ها آن بود که، علیرغم این که ما خیلی تلاش کردیم که با شما نزدیک و هم دستگ شویم، شما به ما جواب متقابل، متناسب با خواست ما را نمی دادید. (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی) حتی محافظی تبلیغ می کردند که در صورت حمله عراق به ایران، سوریه، لیبی و جمهوری دمکراتیک خلقی یمن، به پشتیبانی از عراق، به ایران حمله خواهند کرد!

بهر صورت، دوستان و پشتیبانان واقعی انقلاب ایران، که از روز نخست با قاطعیت به دفاع از جمهوری اسلامی برخاستند، از جمله کشورهای مسلمان و انقلابی سوریه، لیبی، الجزایر،

چین، اندونزی، پاکستان، بنگلادش، فیلیپین، ویتنام، کوبا، ویتنام، کره شمالی و... چه رابط های داشتند، لازم نیست، مطالبی نوشته شود".

تجاوز نظامی رژیم جنایتکار صدام حسین، که در ارتباط با توطئه های براندازی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، یکبار دیگر دوستان و دشمنان انقلاب ایران را محک زد. بار دیگر به روشنی تمام در صف نیروهای جهانی بر سر حقانیت و یا عدم حقانیت انقلاب

برای مدت فریب به دو سال انقلاب ایران با اس دریای بیکران همسنگی و محبت انسانی، تا آسما بود. دریایی که اگر اراده می کرد، می توانست هر قدر می خواهد از گراشه با آن بادی بر آن بسوزد و برای مقابله با دشمن اصلی خود، شیطان بزرگ - آمریکا و دیگر هم پیمانان و وابستگانش از آن بهره گیرد. خلق های ضد امپریالیست و انقلابی عرب و دولت های شرقی و انقلابی "حبشه" بآیداری، از جمهوری اسلامی ایران "گله" داشتند، نه بدین جهت که آنها از انقلاب ایران چیزی می خواهند، بلکه تنها برای آن که انقلاب ایران از امکانات بی دریغ آن ها برای مبارزه با دشمن مشترکشان بهره گرفته بود! حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تأکید می کند که استمرار، تحکیم و بیروزی انقلاب ایران، بزرگترین چیزی است که خلق های انقلابی مسلمان و غیر مسلمان منطقه، از جمهوری اسلامی ایران می خواهند، زیرا بیروزی انقلاب ایران، ضربه ای خردکننده بر بیکر شیطان بزرگ و عمال فاسد و مرتجع منطقه ایس، بویژه رژیم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، که برای گفتگو با مأموران مسائل جاری انقلاب ایران و نیز مسائل منطقه و جهان، به سوریه، الحرام، لیبی (ولسان) سفر کرده بود، حدی سس با کولمار، از محبت و همسنگی مردم و دولت های این کشورها و با سام های کرم دوستی، برادری و سسسانی بی دریغ از انقلاب ایران، به کشور بازگشت. جبهه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، در بازگشت از این سفر، کساده و خندان بود و در سخنان امید و نور همسنگی و دوستی میلیون ها انسان عرب ست به انقلاب ایران عوج می زد. انقلاب ایران در این سفر بر بار، به قول حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، "دسای جدیدی را کشف کرد، دنیایی که فریب به ۲ سال از انقلاب ایران بهمان نگاه داشته شده بود و ایسا با تلفیفات کذب، جمهوری اسلامی ایران را علیه این دنیا برانگیخته و در مقابل آن فرار داده بودند. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت:

"ملت های کشورهای عربی، علی رغم تبلیغات صدام و دارودسته امپریالیسم و صهیونیست ها، کاملاً همراه انقلاب ما هستند."

"ما هرچه آدم خوب دیدیم، با ما موافق بود. حالا این خوب که می گویم، یا مسلمان باشد، یا انقلابی باشد، گرچه مسلمان هم نباشد. "در لیبی، مهم این بود که این ها قانع بشوند که مسئولان جمهوری اسلامی ایران تمایل به همکاری با آنها را دارند. آنها برایشان این مساله خیلی اهمیت داشت. آقای قذافی اولین گله اش از ما این بود که شما هیچ به ما نپرداخته اید و سری به ما نزنده اید... ما مایل بودیم با شما باشیم... ما هرچه داریم در اختیار شما می گذاریم. نیروهای انسانی، نظامی، تبلیغاتی ما در اختیار شماست. گله شان این بود که چرا شما از این امکانات ما استفاده نمی کنید. چرا با ما هماهنگی نمی کنید."

"در سوریه، آقای حافظ اسد رئیس جمهوری، رئیس مجلس، وزیر خارجه و دیگر کسانی که با آنها صحبت کردیم، با صراحت به ما می گفتند، امکانات سوریه را امکانات خودتان بدانید. فقط با ما ارتباط داشته باشید که ما سیاست شما را بدانیم، تا هماهنگ عمل کنیم. "در ملاقات طولانی که با همه جناح های فلسطینی، جناح های مذهبی شان داشتیم، احساس شد فلسطینی ها، علی رغم این که بطور رسمی موضع گیری نکرده اند، ولی عمیقاً در کنار ما هستند. "رهبران دسته دوم فلسطینی، همه صریحاً در مصاحبه های خود ایران را تأیید می کنند."

"انقلاب اسلامی ایران را به عنوان یک حرکت ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی در منطقه پذیرفته اند و حرکت های ضد انقلاب ایران را به عنوان حرکت امپریالیستی و ضد مردمی، همه قبول دارند... کشور های مترقی مثل سوریه، الجزایر، لیبی و فلسطینی ها، این ها از پیش هم با آمریکا درگیر بودند و موضعشان هم این بود که این جنگ تحمیلی آمریکا در جنگ بود ما الان با آمریکا در جنگیم. مثلاً یمن جنوبی هم در این قضیه با ما همکاری می کند. "رهبران کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه... فکر می کردند که هرگونه حمایتی برای دوام ایس انقلاب باید بشود و آمادگی داشتند که با ما هرگونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی داشته باشند."



ایران شکاف افتاد و دوستان انقلاب ایران، همان هایی که مسئولان پیشین سیاست خارجی ایران، با تمام قیوا سعی در تیره کردن روابط انقلاب ایران با آنها داشتند، بار دیگر فاطانه به حمایت و جانبداری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر یورش امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، پرداختند. برده های دود کنار رفت و سد ناستوار بيشدآوری سوء تفاهم، که بر پایه دروغ و بهتان بنا شده بود، شکست. انقلاب ایران دنیای جدید، دنیای ضد امپریالیست، دنیایی که در آن قلوب همگان، از مسلمان انقلابی و انقلابی غیر مسلمان، به خاطر انقلاب بزرگ ایران و نبرد سرنوشت سازش با امپریالیسم آمریکا، می طبد، را "گش" کرد. اکنون پاسخ به این سؤال لازم است که: سیاست خارجی ایران در گذشته، بر چه اساسی استوار بوده و توسط چه کسانی اداره می شده است؟ چه کسانی و چرا از نزدیکی انقلاب ایران به جنبه نیروهای ضد امپریالیست، به جنبه نیروهای راستین مدافع انقلاب ایران، بیضاک بودند و از آن جلوگیری می کردند؟ آیا سیاست خارجی ایران، طی این دو سال، از هیچ گونه "برنامه ای" سروری نی کرده است؟

علیرغم تلاش خویش، با درهای بسته مواجه شدند. طراحان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، از هیچ کوتاهی برای "نزوی" کردن انقلاب ایران در میان این کشورهای شرقی و ضد امپریالیست فروگذار نکردند. تا جایی که:

"این ها خیال می کردند که ما یک پوسته ای برای خودمان ساخته ایم و نمی خواهیم از آن در بیاییم... ما الان در این کشورهایی که رفتیم، در الجزایر یک کاردار داریم، که یکی لیبی یک کاردار داریم، که یکی دو هفته است شروع کرده، در سوریه سفارت داریم، اما بی پروبال، در لبنان هم یک کاردار داریم و در جاهای دیگر هم وضع ما همین است. (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی)

یعنی وضع ما را با عده ای از بگیرترین و صدیق ترین دوستان انقلاب ایران به جای رساندن که تا قطع رابطه فاصله جدایی وجود نداشته باشد.

روزنامه "انقلاب اسلامی" (۶ آذر ۵۹) در مورد جنگی برخورد مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، با این دوستان صدیق انقلاب ایران، می نویسد:

درصدد بر نیامدیم تا امکاناتی را که می توان از آنها به نفع انقلاب بهره برداری کرد، به کار گیریم. کوشش نمائیم تا بر دوستانی که صداقت و باصبردی دارند، بیفزاییم... یک ماه تمام نخست وزیر لیبی، آقای عبدالسلام جلود، در ایران به

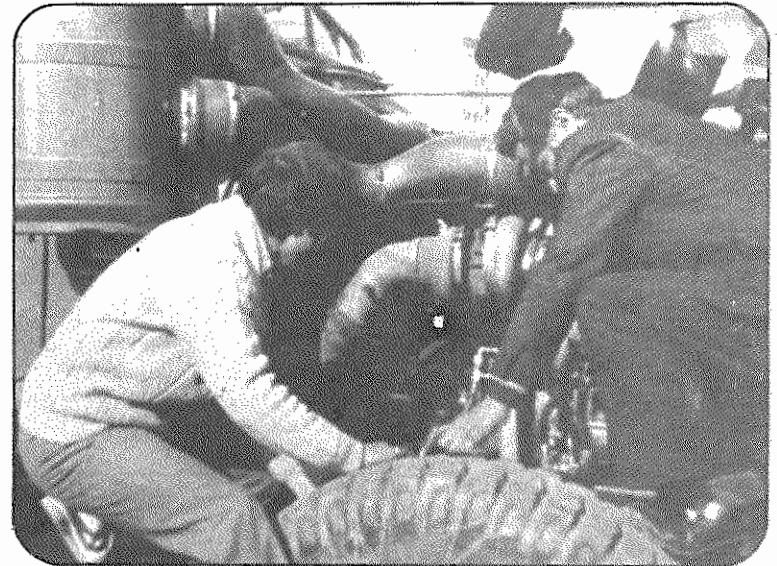
جانیتکار و غاصب اسرائیل وارد آورده است. چرا باید انقلاب ایران تنها پس از دو سال چنین دنیای دوستی را باز یابد و آنرا "گش" کند؟ چرا این دریای بزرگ امکانات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، باید پس از این مدت دراز مکتوف گردد؟ از "انزوی" انقلاب ایران میان دولت ها و خلق های انقلابی، ضد امپریالیست چه کسانی سود می برند؟ چه کسانی تلاش کردند، تا دوستان و متحدان واقعی انقلاب ایران، از انقلاب ایران جدا بمانند؟ چه کسانی تخم خصومت با دولت و خلق انقلابی لیبی برآکنند؟ چه کسانی جنبش آزادی بخش فلسطین را، که "عمیقاً در کنار ما است"، خصم انقلاب ایران تبلیغ کردند و چه کسانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به روی دوستان آن بستند؟ از همان فردای بیروزی انقلاب ایران و آغاز مرحله دوم توطئه های خطرناک امپریالیسم آمریکا و متحدین آن برای براندازی جمهوری اسلامی ایران، اعضا "حبشه بآیداری": لیبی، سوریه، الجزایر، فلسطین و جمهوری دمکراتیک خلق یمن، به پشتیبانی فاطح از انقلاب ایران برخاستند و برای گسترش روابط خویش با جمهوری اسلامی ایران و کمک به انقلاب ایران برای مقابله با دشمن شماره یک همه بشریت، عدالت خواه و استقلال طلب، یعنی امپریالیسم آمریکا، دست باری به سوی آن دراز کردند و تمامی امکانات خود را به جمهوری اسلامی ایران

رانندگان کامیون:

باداشتن تسهیلات، حاضریم شب و روز کار کنیم تا کالاها را به مقصد برسانیم

می‌دهیم. آمریکایی‌ها خواهند دولت‌ها مستقل باشند. ملت ما باید تسلط و کوشش سخت و سالها مبارزه، استقلال واقعی را بدست آورد.

مغایر بسیاری از کالاهای وارداتی به کشورمان، هم اکنون در اسکله‌ها و انبارهای بنادر جنوبی و شمالی ایران معطل مانده است.



دولت باید گازوئیل کافی را در اختیار پمپ‌های بنزین بگذارد. فقط در این صورت است که کالاها بدون تلف شدن، وقت به سایر نقاط ایران حمل می‌شوند.

هستند و خواهشهایی دارند. در سه راه سازه، گفتگویی داریم با جندتن از رانندگان کامیون، تا از مشکلات آنها مطلع شویم.

وی ادامه می‌دهد: "ما رانندگان حاضریم شب و روز کار کنیم، تا روغن و بیا هر کالای دیگری را به مقصد برسانیم. و در اختیار هموطنان قرار دهیم."

وی از دولت می‌خواهد که گازوئیل را بطور شبانه روزی در این پمپ صادر اختیار رانندگان قرار دهند و در صورت کمبود ظرفیت پمپ بنزین‌ها، خود را با گازوئیل را، از طریق دیگری عرضه کند.

کامیون‌ها را کارخانه لرد الکترونیک (کیلومتر ۹ جاده مخصوص کرج) به همراه سایر کارگران، ضمن محکوم کردن جنگ تجار و زنگانه رژیم صدام، در محدوده امکانات خود به مقابله با توطئه اخیر امپریالیسم آمریکا برخاسته‌اند.

"اگر همه کارکنیم، راننده کارش را انجام دهد، کارگر تولید کند، کشاورز بکار، ارباب عراق، یعنی آمریکا هم کاری نمی‌تواند، بکنند و در صورت حمله نظامی آمریکا اورا هم شکست می‌دهیم."

جدی پس، همتاها! کارگران کونی‌یافی قائم شهر بدو سله مدیر عامل کارخانه اخراج شدند.

مدتی است که باک کردن صفوف کارگران از عناصر وابسته به رژیم سابق و عوامل کارفرمایان طاغوتی می‌شود.

یا در جای دیگر، اگر دست‌اندرکاران غیر انقلابی ناچار می‌شوند که بعضی عناصر خود فروخته و رسوا را از میان صفوف کارگران برانند، از فرصت سوءاستفاده‌کنند.

اخراج کارگران، از نظر کارفرمایان و مدیرانی که دست پرورده رژیم طاغوت بوده‌اند، یک سنت عادی و یک راه نجات مطمئن از دست کارگران مبارز بوده است.

یکی از اعضای شورای کارخانه لرد الکترونیک: «به عقیده من پیروزی در این جنگ با ما است، چون همه با هم متحد هستیم و وقتی اتحاد و همبستگی میان مردم باشد، شکست بی معنی است.»

اخراج کارگران بدست کارفرمایان طاغوتی و لیبرال در راستای ضدیت با انقلاب است

بسیار و دادن روحیه و تقویت مواضع انقلاب در میان کارگران می‌گردد. ولی پس از آنکه اقداماتی برای گرفتن وسایل ایمنی و کسب حقوق قانونی کارگران انجام دادند، با "برودهای" روبرو شدند و اخراج البته آنها پس از بیست روز با همت کارگران محقق شد.

خود فرار داده است. در شرایط انقلابی، اخراج کارگران تنها سه دلیل (!) آنکه انفرادی کرده‌اند و دردی را گفته‌اند، یا در جهت مشکل کردن و متحد کردن دیگر کارگران گام برداشته‌اند، به هیچ وجه قابل توجه نیست.

در جامعه انقلابی ما، حیره‌ری و خودکامی مدیران، فعال‌های "بازمانده" بودن و ایجاد نوعی روابط ارباب - رعیتی در کارخانه، باید اکیدا موقوف شود و به جای آن حاکمیت قوانین انقلابی برقرار گردد.

خواهیم آمد

# دهقانان آماده دفاع از انقلابند

درباره روستاهای مختلف دهستان "مهربان" واقع در همدان، قیلادرناسه "مردم" گزارش‌هایی چاپ شده است. در این شماره معرفی چند روستای دیگر "مهربان" و گزارش خواستهای اهالی آن می‌پردازیم.

## قریه حسین‌آباد

این قریه، که در شمال غربی همدان قرار دارد، ۱۵۰ خانوار را دربرمی‌گیرد، که از این تعداد ۳۴ خانوار خوش‌نشین و بقیه کشاورزند. جمعیت ده حدود ۴۰۰ نفر و فاصله آن تا همدان حدود ۱۳۰ کیلومتر است. مالک این روستا حدود ۱۸۰ هکتار زمین دیمی و ۱۲ هکتار زمین آبی در اختیار داشته است.

مهمترین خواست روستائیان واگذاری زمین است. یکی از خوش‌نشینان سه گزاشگرما گفت: "ما به جهادسازندگی مراجعه کردیم و خواستار واگذاری زمین شدیم، ولی هیئت هفت نفری هنوز به ده مانده و وضع روشن نیست. زمین‌ها باید بفرمان امام و واگذار شود. ما خواهان زمین هستیم." روستای حسین‌آباد حمامی خزینه‌ای دارد، ولی اهالی می‌گویند: "چهارده ما قول داده است که برایمان حمام دوشدار درست کند. ما از این موضوع خیلی خوشحالیم." روستا دارای دو قنات است که احتیاج به لایروبی دارد. در ده مدرسه هست، ولی معلم ندارد. راه با اولین برف زمستانی بسته می‌شود و حتی تراکتور هم نمی‌تواند عبور کند. همچنین این روستا فاقد درمانگاه و امکانات بهداشتی است.

روستائیان حسین‌آباد نیز چون مردم نقاط دیگر کشورمان، برای دفع نجا و زات امیرالایم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام آماده شرکت در بسیج عمومی اند و برای کمک به جبهه نیز تاکنون ۲ خوار نان و پنیر و ۴۰ هزار ریال کمک نقدی فرستاده‌اند.

حدود چهل نفر از اهالی این روستا به عنوان "جان فدا" خود را معرفی کرده‌اند که خود نشانه پشتیبانی بی‌شائبه آنان از انقلاب است. مهمترین خواستهای روستائیان عبارتست از:

- ۱- واگذاری زمین، بر هیئت هفت نفری واگذاری زمین است که هر چه زودتر کار واگذاری زمین به خوش‌نشینان و دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین را آغاز کند.
- ۲- ساختمان حمام و لایروبی قنات و راه‌سازی در ده، که موجب تسویق دهقانان به کشت هر چه بیشتر خواهد شد.
- ۳- دریافت بزرگنم از جهاد سازندگی و اداره کشاورزی استان همدان، برای کشت و تراکتور برای تخم درجومه شهرستان نوشهر.

## قریه قطار آغا

این قریه دارای جمعیتی حدود ۱۵ نفر است (۳۰ خانوار). کداز این تعداد ۱۴ خانوار خوش‌نشینند، فاصله ده تا همدان ۱۲۰ کیلومتر است. در روستا مدرسه‌ای بدون معلم، حادهای خرابه خزینه‌ای غیربهداشتی و قدیمی بحای حمام و حمامهای بسیار کم آب، صنایع نساجی تا مین آب روستا وجود دارد. از درمانگاه و امکانات بهداشتی هم خبری نیست. جهادسازندگی بدهنده و تا بحال یک تا نکر برای ذخیره سبزی و گازوئیل ساخته است.

با وجود همدان مسکلات روستائیان با روحیه‌ای قوی و مقاوم آماده دفاع از انقلاب و دفع تجاوزند و تاکنون حدود ۲۰۰ تومان پول و مقدار نان به جنگ زدگان اهدا کرده‌اند.

## قریه آق‌بلاغ داغ

در این قریه ۲۳۴ خانوار زندگی می‌کنند، که جز ۴۸ خانوار خوش‌نشین، بقیه کشاورزند. جمعیت ده ۱۲۰۰ نفر و فاصله آن تا همدان ۱۳۸ کیلومتر است. مالکین این ده صاحب ۱۲۸۲ هکتار زمین (دیم) بودند. طبق قانون، نهاد انقلابی هیئت هفت نفری، زمینهای ده را واگذار کرده و در نتیجه به خوش‌نشینان ۱۲ هکتار و به دهقانان کم‌زمین ۶ هکتار زمین رسیده است. البته این تقسیم موقت است و دهقانان می‌گویند که به ما سند ندادند. آنها خواستار قطعیت واگذاری قانونی زمین هستند.

بهر حال دهقانان از کار هیئت هفت نفری بسیار راضی هستند و آنرا شایسته تقدیر میدانند و از روند ادامه کار هیئت تا نتیجه نهائی هستند. وضع روستا را حمام خزینه‌ای و غیربهداشتی، کمبود آب و خرابی وضع راه‌ده، منحص می‌کند. از بهداشت و درمانگاه هم خبری نیست. امکانات مدرسه تا کلاس پنجم ابتدائی است. جهادسازندگی هنوز به این روستا نرسیده است. روستائیان برای دفع تجاوز عراقی آمریکا آماده شرکت در بسیج عمومی اند و منقذی خدمت ۵۶ خود را جهت اعزام به جبهه معرفی کرده‌اند. علاوه بر این، عده دیگری از اهالی بعنوان "جان فدا"، آمادگی خود را برای شرکت در جنگ اعلام کرده‌اند. روستائیان تاکنون ۹۵۰۰۰ ریال کمک نقدی و ۳ خوار نان به جبهه اهدا کرده‌اند.

## قریه چهارتاچ

این قریه دارای جمعیتی حدود ۳۰۰ نفر، متشکل از ۵۰ خانوار (۷ خانوار خوش‌نشین) است. فاصله ده تا همدان ۱۱۵ کیلومتر است. مالک ۲۲۰ هکتار زمین دیمی‌دانت

که آنرا بصورت اجاره‌ای واگذار می‌کند. اینک دیگر نعرات زندگی بخش انقلاب شکوهمند ایران بطور میرسد و هیئت هفت نفری واگذاری زمین به روستا آمده و زمینها را برای کاشت اسمال، به خوش‌نشینان و دهقانان کم‌زمین واگذار کرده است. به گفته یکی از اهالی، هیئت واگذاری به آنها توصیه کرده است اسمال بعد طبق قانون واگذار شود. علاوه، روستائیان برای تولید بیش از هر چیزی تراکتور احتیاج دارند و از جهاد سازندگی خواهان تأمین آن هستند. خواستهای عمده روستائیان عبارتست از:

- ۱- واگذاری زمین بطور قطعی و قانونی به دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین.
  - ۲- ایجاد جاده عمیق.
  - ۳- ساختن پل و حمام بهداشتی.
- اهالی این ده نیز آمادگی شرکت در بسیج عمومی اند و منقذی خدمت ۵۶ خود را معرفی کرده‌اند. همچنین برای کمک به جنگ زدگان تاکنون ۹۲۰۰۰۰ (نود و دو هزار) ریال کمک نقدی ارسال کرده‌اند.

## قریه کهریز باباحسین

این قریه با جمعیت ۵۵ نفر، متشکل از ۱۱ خانوار و ۱۰ خانوار خوش‌نشین و بفاصله ۱۱۲ کیلومتر از همدان قرار دارد. وضع راه این ده بسیار خراب است، بطوریکه در اوایل زمستان راه بسته می‌شود و ارتباط ده با همدان و جاده بسیار قطع می‌گردد. جهادسازندگی در این ده اقدام به لایروبی قنات کرده و یک حمام بهداشتی (دوشدار) ساخته، که باعث خوشحالی اهالی و اعصاب بسیار آنهاست. جهادسازندگی شده است.

سپهبد، نفت بده نمی‌رسد و روستائیان می‌گویند که اگر راه بسته شود، دیگر کسی برای ما نفت نمی‌آورد. آنها همچنین از اداره کشاورزی گلگه می‌گردند که جرابه دهقانان و ام و بذر برای کشاورزی نمی‌دهد و همین دلیل قسمتی از زمینها نگاشته باقی مانده است.

اهالی این ده نیز آمادگی خود را برای شرکت در بسیج اعلام کرده‌اند و افراد منقذی ۵۶ نیز خود را معرفی کرده‌اند.

## قریه ایلانلو

این قریه با ۱۲۶ خانوار و ۱۱ خانوار خوش‌نشین و ۵۰ نفر جمعیت، ۱۱۵ کیلومتر تا همدان فاصله دارد. راه این ده در اوایل زمستان بسته می‌شود. جهاد سازندگی در ده مشغول لایروبی قنات است و روستائیان بخاطر اینکار از جهاد قدردانی می‌کنند.

مدرسه ده پنج کلاسه است. حمام (خزینه) غیربهداشتی است و بعلت نبودن سوخت کار نمی‌کند. از درمانگاه و بهداشت خبری نیست و اگر کسی، به خصوص در زمستان، بیمار شود، از بیسن می‌رود. آب توسط خود اهالی لوله‌کشی شده است.

اهالی این روستا یک وانت بار نان و پنیر به جنگ زدگان کمک کرده‌اند. هیئت ۷ نفره تاکنون به این روستا تفرقه است.

## قریه محمودآباد

این قریه دارای ۲۵۰ نفر جمعیت، متشکل از ۴۰ خانوار و ۱۱ خانوار خوش‌نشین است. مالک ده حدود ۵۰ هکتار زمین دارد و بوسیله مباحثین که وهم در جای دیگری زندگی می‌کنند، آنرا کشت می‌کند. هیئت هفت نفری تا بحال به محمودآباد دنیا مده است. آب این ده خیلی کم است و حتی آب آشامیدنی هم ناکافیست. در حال حاضر جهادسازندگی مشغول ساختن حمام بهداشتی در روستاست. بعلت نبودن روغن ماشین و بنزین و گازوئیل تراکتورها گوشه‌ای بیگارا افتاده اند و نمی‌توانند زمینها را شخم بزنند.

اهالی این قریه نیز آمادگی شرکت در بسیج عمومی اند و افراد منقذی ۵۶ خود را برای شرکت در جنگ عادلانه با رژیم صدام معرفی کرده‌اند.

از مهمترین خواستهای این روستائیان تا مین آب است. همچنین آنها بدلیل فرار سیدن زمستان به سوخت احتیاج دارند. بلی هم که در نزدیکی این روستا بوده، از بیسن رفته و باید از نو ساخته شود. نمونه دهات متعدد دهستان مهربان که اینک دیگر با عده قابل توجهی از روستاهای آن آشنا شده‌ایم، نشان می‌دهد که هیئت ۷ نفری و جهادسازندگی وظیفه بسیار حیاتی خود را، آنطور که شایسته نهادهای انقلابی است، بخوبی انجام می‌رسانند و اگر در راه آنها مسکلات و تضییقات ایجاد نشود و موانع و سد‌هایی که مخالفان انقلاب و خط امام درست می‌کنند، از بیسن برداشته شود، هم مسئله اساسی زمین، طبق قانون حل خواهد شد و هم بارها ماهی مشخص و با دادن اولویت به نیازهای حیاتی، برای سایر مسائل این دهقانان هم راه حل مناسب پیدا خواهد شد.

دهقانان مهربان، تا آنجا که توانسته‌اند، با اعزام جوانان خود به جبهه، با شرکت در بسیج، با جمع‌آوری پول نقد و نان و پنیر و محصولات غذایی به سربده مردم علیه تجاوز آمریکا رژیم صدام کمک رسانده‌اند. این مردم مهربان دهستان مهربان را از یاد نبریم.



## اجرای قانون اصلاحات ارضی را باید با قاطعیت ادامه داد

برخی از اعضای هیئت ۷ نفری اصفهان و شهرستان‌های تابعه و همچنین اعضای گروه‌های تحقیقی، پس از اعلام متوقف شدن "بند ج" قانون اصلاحات ارضی، مصوبه شورای انقلاب، دل‌سرد شده‌اند. حتی در برخی موارد دیده می‌شود که اعضای گروه‌های تحقیق کار را رها کرده و به جبهه جنگ رفته‌اند، تا شاید در آنجا بتوانند به وظیفه انقلابی خویش ادامه دهند. در مقابل، بزرگ مالکان نیز هر روز به محل هیئت‌های هفت نفری می‌آیند و ادعای "خسارت" می‌کنند و علناً به دولت جمهوری اسلامی و مجریان قانون ناسزا می‌گویند. این نمونه تا سرف بار می‌تواند درس عبرتی باشد. باید گفت که در اکثر موارد هیئت‌های هفت نفری دقیقاً به نقش انقلابی عظیم خود اوفتاند.

## اراضی کارگزاران رژیم و ازگون شده پهلوی باید بدون لحظه‌ای درنگ به دهقانان تمهیدست و واگذار شوند

اراضی وسیعی وجود دارد که تکلیف آنها هنوز روشن نشده است. از آن جمله در قریه چلک، قریه چلک در ۱۳ کیلومتری نوشهر قرار دارد. مقداری از زمینهای این قریه به تیمسار حاشمی "تعلق" دارد که حکم واگذاری آنها هنوز صادر نشده و با اگر شده، نسبت به تقسیم زمینها اقدامی عملی نشده است. با اینکه اهالی بدفعات به هیئت هفت نفری مراجعه کرده و خواستار کشت زمینها شده‌اند، ولی متأسفانه هنوز هیئت اقدام نکرده است و زمینها تا بحال زیر کشت نرفته‌اند. اراضی کارگزاران و وابستگان به رژیم و ازگون شده پهلوی، که گالیان سال‌الت و

بزرگنم نبرده و عاقل گذاشته‌اند، شناسائی کنند و همچنین اراضی غصبی را که اکثر با سندسازی و زور بدست اربابان افتاده، تعیین کنند و در همه موارد قانون را اجرا نمایند و سایر بندهای قانون اصلاحات ارضی را عملی کنند.

اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی، خود به معنای مبارزه با تجاوزگران صدامی و آمریکایی غارتگر است.

امام خمینی: مستضعفین باید با زور حق خود را بگیرند.

# باملی کردن بازرگانی خارجی، دست واسطه‌های سودجو را از معاملات آهن کوتاه کنید!

قیمت انواع آهن در بازار تهران دائماً روبه افزایش است. با اینکه نرخ بعضی از انواع آهن ارسوی دولت اعلام شده است، در بازار با این نرخهای رسمی کوچکترین معامله‌ای صورت نمی‌گیرد.

معاملات انواع آهن آلات، که در زمان جنگ افزایش قیمت بیشتری داشته است، بطور نا مناسبتی صورت می‌گیرد، بطور مثال یک تریلی (نزدیک به ۲۴ تن) آهن نبشی تا از دست واردکننده به مصرف‌کننده برسد، حدود ۸ دست می‌چرخد، و این چرخش تا مرحله‌ای که جیب سوداگران انباشته شود، ادامه دارد. گاهی معامله و افزایش قیمت بصورتی انجام می‌گیرد که، جنس مورد نظر، از جای خودش کوچکترین حرکتی نمی‌کند و تنها حرکتی که در این زمینه صورت می‌گیرد، افزایش قیمت جنس است. بدین معنی که تاجر که نقض واسطه را ایفا میکند، جنس مذکور را خرید و فروش می‌کند بدون آنکه جنس را از جای خودش منتقل کند. سپس بعد از چندین بار خرید و فروش در مرحله آخر، ضربه نهائی به مصرف‌کننده، پیچیده وارد می‌آید، که با چاراست با قیمت گزاف جنس مورد نظر را از انبار به محل کار خود حمل کند. همچنین واسطه‌ها و واداران کنندگان آهن، با ایجاد قحطی مصنوعی، که از راه‌های مختلف صورت می‌گیرد، از قبیل جمع‌آوری و احتکار کالا، یا شایع کردن اینکه فلان جنس چندریال گران شده است و طلا پیدا نمی‌شود، اجناس خود را به بهای بیش از حد معمول بفروش می‌رسانند. در این معاملات معمولاً از فاکتوری که در آن نشانی از نام و آدرس باشد، خبری نیست.

ما از مسئولین امر می‌خواهیم که با اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن تجارت خارجی، دست اسب سودجویان غارتگر را کوتاه کنند.

جدول زیر نشانگر افزایش نرخ انواع آهن آلات در چهار ماه بعد از جنگ تحمیلی است (تا تاریخ ۵۹/۹/۱۷)

نوع جنس آهن	نرخ قبل از جنگ	نرخ بعد از جنگ	مقدار گران شده در هر کیلوگرم
نبشی نمبر ۲/۵	۲۵ ریال	۸۷ ریال	۲۵
"	۳۰	۹۴	۲۵
"	۳۵	۷۴	۲۵
"	۴۰	۶۵	۱۶
"	۴۵	۱۰۰	۲۵
"	۵۰	۸۵	۲۰
"	۵۵	۸۲	۲۲
"	۶۰	۹۸	۲۳
"	۶۵	۱۱۰	۴۵
"	۷۰	۶۵	۱۰
"	۷۵	۵۲	۷
"	۸۰	۶۲	۷

## کارنامه ۱۸ ماهه ...

بقیه از صفحه ۳

جبهه مشترک نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی، با بهره‌گیری از بستنیانی صغری جبهه جهانی نیروهای ضد امپریالیستی، که خود در حال جنگ با آمریکا است، از استقلال و آزادی و آرمان‌های والای خود دفاع کند.

اما لیبرال‌ها، نه فقط انقلاب را رژیم مشروطه بدون شاه می‌دانستند، بلکه امپریالیسم آمریکا را نیز، که "دوست رژیم مشروطه" بود، دشمن انقلاب ایران نمی‌دانستند که سهل است، آن را پشتیبان انقلاب تبلیغ می‌کردند. مهندس مهدی بازرگان، رئیس دولت موقت، که به همراه دکتر

ابراهیم یزدی، طراح اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران ۹ ماهه پس از انقلاب ایران بود، اعتقاد داشت که امپریالیسم آمریکا نه تنها دشمن انقلاب ایران نیست، بلکه آنرا تأیید و تحسین هم می‌کند! او در یک سخنرانی به مناسبت ۱۵ خرداد ۵۸، که از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز

بخش شد گفت که در نتیجه تبلیغ خبرنگاران، "دول در اروپا و بعد هم در آمریکا روی همین نفوذ و انقلاب، که در افکار خارج بوجود آمد، سیاست رسمی و دولتی هم پیش از آن که امام خمینی به ایران برگردند، این

انقلاب ما را به حقانیت و رسمیت شناخت، یعنی آنها تسلیم این مسئله شدند و دست از حمایت شاه برداشتند و به تحسین و تأیید انقلاب پیروزمند ما و بعد دولت موقت انقلاب اسلامی پرداختند!"

مهندس بازرگان همچنین اعلام کرد که، امپریالیسم آمریکا از انقلاب ایران نه فقط ضرر ندیده، بلکه نفع هم برده است: "برای این که وقتی جمهوری اسلامی هر قدر مستقرتر، قوی‌تر، مسلط تر و مستقل‌تر باشد، صلح در منطقه و بنابراین در دنیا و امنیت خود آنها ... بهتر حفظ می‌شود و بجای روابط استعماری و تحمیلی گذشته، روابط عادی و عادلانه وقتی به میان بیاید، آن هم باز بالمال بدون آن نیست!" او افزود:

"آن کسی که قبلاً از ایران گذشته، از ایران شاهنشاهی متمتع شد و بعداً پیش از همه متضرر از اسرائیل بود ... بنابراین بسیار طبیعی و منطقی است که در رأس دشمنان ما و اخلالگران در کار ما اسرائیل باشد، این مسلم است!"

میانگین از آن است که در آن زمان، که در زمان جنگ افزایش قیمت بیشتری داشته است، بطور نا مناسبتی صورت می‌گیرد، بطور مثال یک تریلی (نزدیک به ۲۴ تن) آهن نبشی تا از دست واردکننده به مصرف‌کننده برسد، حدود ۸ دست می‌چرخد، و این چرخش تا مرحله‌ای که جیب سوداگران انباشته شود، ادامه دارد. گاهی معامله و افزایش قیمت بصورتی انجام می‌گیرد که، جنس مورد نظر، از جای خودش کوچکترین حرکتی نمی‌کند و تنها حرکتی که در این زمینه صورت می‌گیرد، افزایش قیمت جنس است. بدین معنی که تاجر که نقض واسطه را ایفا میکند، جنس مذکور را خرید و فروش می‌کند بدون آنکه جنس را از جای خودش منتقل کند. سپس بعد از چندین بار خرید و فروش در مرحله آخر، ضربه نهائی به مصرف‌کننده، پیچیده وارد می‌آید، که با چاراست با قیمت گزاف جنس مورد نظر را از انبار به محل کار خود حمل کند. همچنین واسطه‌ها و واداران کنندگان آهن، با ایجاد قحطی مصنوعی، که از راه‌های مختلف صورت می‌گیرد، از قبیل جمع‌آوری و احتکار کالا، یا شایع کردن اینکه فلان جنس چندریال گران شده است و طلا پیدا نمی‌شود، اجناس خود را به بهای بیش از حد معمول بفروش می‌رسانند. در این معاملات معمولاً از فاکتوری که در آن نشانی از نام و آدرس باشد، خبری نیست.

## لیبرال‌ها معتقدند: «چون وابسته بوده‌ایم، باید وابسته بمانیم»

لیبرال‌های دولت موقت ۹ ماه تلاش کردند تا قراردادهای اسارت-بار رژیم مشروطه بدون شاه با آمریکا را حفظ کنند. لیبرال‌های دولت موقت طی سخنرانی‌های متعدد خویش در زمینه سیاست خارجی، از ابقای قراردادهای نظامی استقلال-شکن با آمریکا و دیگر دول امپریالیستی دفاع کردند و حتی کوشیدند تا زمینه را برای عقد قراردادهای جدید نظامی با این دشمنان به خون‌شمنانقلاب ایران، آماده سازند.

دکتر یزدی در مصاحبه مفصل خود با روزنامه اطلاعات، مورخ ۲۱ خرداد ۵۸، ضمن تأیید خرید ۴۰ میلیارد دلار اسلحه توسط رژیم شاه ملعون، اعلام کرد که: اگر ما بخواهیم از این تسلیحات "برای مصارف نظامی یا غیر نظامی" استفاده کنیم، باید لوازم یدکی این تسلیحات را تهیه کنیم و "چون لوازم مورد بحث نظامی است، بنا بر این قرارداد ما هم نظامی خواهد بود!"

دکتر یزدی در مورد چگونگی روابط با آمریکا اعتقاد داشت که: "این روابط (که دکتر یزدی نوع آنرا بیان نکرد) بر مبنای تجارت، با این کشور استوار است و تمام کوشش خود را در جهت بهبود آن به کار خواهیم برد!" و این را در زمانی می‌گفت که امام خمینی، رابطه ایران با آمریکا را "رابطه ظالم با مظلوم، غارتگری غارت شده" توصیف کرده بودند. لیبرال‌ها، که در بی‌ابهای رژیم مشروطه بدون شاه، یعنی حفظ تمامی روابط اسارت‌بار رژیم گذشته با امپریالیسم آمریکا بودند، متعقد بودند که "چون وابسته بوده‌ایم، باید وابسته بمانیم." آنها با تمام قوا برای حفظ این وابستگی تلاش می‌کردند. مهندس بازرگان، در نطق ۱۳ تیر ماه ۵۸ خود گفت:

"اگر امروز تسلیحات ارتش ما، ۴۰ میلیارد تسلیحات، این قسمت اعظم (آن) از آمریکا خریده شده، این را اگر بخواهیم لوازم یدکی که احتیاج دارد و دائماً هم احتیاج

دارد، از آمریکا یا از بلوک غرب بیاوریم، یا این چیزهای این قدر پیچیده و مشکل را احیاناً از متخصصان آن‌ها استفاده نکنیم، یعنی این ۴۰ میلیارد دلار سلاح را به زباله‌دان ریختن ... نتیجه آن عمل‌بگلی محروم شناختن و محروم کردن مملکت از سلاحش، از هواپیما از توپش، از مسلسلش ... و باید افزود - از وابستگی "اش" بود. آری، لیبرال‌ها می‌کوشیدند، تا مملکت را از "وابستگی" "اش" محروم نکنند. مهندس بازرگان، برای توجیه ابقای قراردادهای امپریالیستی بویژه قراردادهای نظامی، میگفت:

"اصولاً بسیاری از این قراردادها اساساً ضد مملکت و خلاف نبوده، بلکه برای بالا بردن سطح فنی و اقتصادی و نظامی و دفاعی (!) مملکت بوده است ... قراردادهای تسلیحاتی ایفا شده، بیشتر برای لوازم یدکی است، زیرا هواپیماها و تسلیحات مستمر احتیاج به لوازم یدکی دارند." (از نطق ۱۰ مرداد ۵۸)

دکتر یزدی می‌گفت: "ما قطعات یدکی این تجهیزات را از آمریکا یا هر کشور دیگری، به جز اسرائیل و آفریقای جنوبی، خریداری می‌کنیم!" با این ترتیب، آباتریدی هست که اگر دولت موقت سقوط نمی‌کرد، کار حتماً به بازگشت مستشاران آمریکائی نیز می‌کشید، زیرا "این چیزهای این قدر پیچیده" احتیاج به "متخصص" دارد!

## سیاست تسلیم دولت موقت لیبرال‌ها در برابر مداخلات گستاخانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران

دولت موقت لیبرال‌ها در عرصه سیاست خارجی، کاملاً در جهت سیاست خارجی رژیم مشروطه بدون شاه، حرکت می‌کرد و می‌کوشید تا آنجا که می‌تواند روابط جمهوری اسلامی ایران را با آمریکا "بهبود" بخشد، قراردادهای نظامی خائسانه رژیم شاه ملعون را با این دشمن اصلی انقلاب ایران ایفا کند، راه را برای بازگرداندن مستشاران نظامی آمریکا هموار سازد و سیاست "چون وابسته بودیم باید وابسته بمانیم" را اجرا کند. با این ترتیب، آباتریدی هست که اگر مردم انقلابی ایران در صحنه نبودند و رهبری فاطمه و آنتی‌بایدیر چون امام خمینی سکان انقلاب را به دست نداشت، آن‌ها در این نقشه شوم خویش موفق می‌شدند؟

دولت موقت لیبرال‌ها در برابر سیاست تجاورگارانه و مداخله‌گرانه آمریکا سیاست تسلیم را در پیش گرفته بود و از مردم انقلابی ایران و رهبر انقلاب، به واسطه مانعیت از پیشبرد این سیاست تسلیم و سازشکارانه، شکایت و گلگ می‌کرد. سنای آمریکا در اردیبهشت ۵۸،

طی یک قطعنامه گستاخانه، که تهدید مستقیم انقلاب ایران و دخالت آشکار در امور داخلی ایران بود، به اعدام جنایتکاران رژیم پهلوی به دست دادگاه‌های انقلاب "اعتراضی" کرد. رئیس دولت موقت، پیش از صدور قطعنامه، با اطلاق "بروزری" به اعدام جنایتکاران، موافقت خود را با سنای آمریکا اعلام کرده بود. ولی عکس‌العمل مردم انقلابی ایران و رهبر انقلاب، خشم‌آتشین علیه این مداخله آشکار بود. امام خمینی پس از این حادثه، گفت:

"رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم؟" اما دکتر یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت، طی یک مصاحبه مطبوعاتی، در ۳۱ اردیبهشت ۵۸، اعلام کرد که: "چنین قطعنامه‌ای که از طرف سنای آمریکا صادر شده، لزوماً به منزله سیاست دولت آمریکا در برابر مسائل ایران نیست!"

این سخن برای مردم انقلابی و خشمناک ایران، آن‌چنان عجیب و شنیذ آن از یک مقام با چنین مسئولیتی، چنان شگفت‌انگیز بود که، حتی مفسر صدای جمهوری اسلامی ایران در قبال این سخنان گفت:

"ما آن قدر که از سخنان وزیر امور خارجه کشور خودمان درباره روابط ایران و آمریکا تعجب کرده‌ایم، از قطعنامه سنای آمریکا، شگفت‌زده نشدیم ... چگونه دکتر یزدی، که سال‌ها در آمریکا زندگی کرده است، نمی‌داند که سنای آمریکا قلب سیاست آمریکا است و دولت آمریکا نمی‌تواند تحت‌تأثیر سنای آمریکا نباشد!"

دکتر یزدی همچنین گفت که، پیش از صدور چنین قطعنامه‌ای، نامه ای از وزیر امور خارجه آمریکا دریافت کرده، که در آن - به گفته وی - به "ضرورت دوستی میان دولت ایران و آمریکا اظهار علاقه می‌کنند و حتی برای تفاهم بیشتر به دولت ایران اعطای کمک‌های اقتصادی (!) میکنند" (نیز) اشاره می‌کنند به این که، ما (آمریکایی‌ها) آماده‌ایم از نظیر نظامی (!) نیز با دولت ایران همکاری داشته و هرگونه مشکلی را هم که در این زمینه (نظامی) در گذشته وجود داشته، مرتفع نماییم و حتی با راه فراتر گذاشته درباره همکاری‌های وسیع آینده، مطالبی را عنوان کرده‌اند."

وزارت امور خارجه دولت موقت، در پاسخ پیام گرگی که با استهای سابق به فریبانی خود می‌نگرد، چنین گفته بود:

"متقابلاً اطمینان می‌دهیم که جمهوری اسلامی ایران نیز در مسائل و مصالح مشترک دو کشور، آماده همکاری با آمریکا هستیم" و همانطور که وزیر امور خارجه آمریکا در نامه خودشان اشاره کرده‌اند به این که دولت متبوعشان قصد ندارد در امور داخلی ایران مداخله بنماید، اظهار خوشوقتی شده و از این صراحتی که بکار رفته تشکر به عمل آمد!"

چنین بود برخورد وزارت خارجه دولت موقت لیبرال‌ها در برابر این

مداخله گستاخانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران. لیبرال‌های دولت موقت در برابر توطئه انتقال شاه ملعون به آمریکا نیز روش تسلیم طلبانه‌ای در پیش گرفتند!

ماجرای این قرار بود که پس از انتقال شاه ملعون به آمریکا، هادینگ کارتر، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، اعلام کرد که درباره این موضوع با مقامات ایرانی تماس گرفته شده است. سخنگوی وزارت امور خارجه دولت موقت در پاسخ گفته بود:

"ما از سفر شاه مخلوع دربارماد امروز به نیویورک برای مطالعه اطلاع داریم. دولت جمهوری اسلامی ایران همیشه مخالفت خود را با سفر شاه مخلوع به آمریکا به مقامات این کشور اعلام کرده است، ولی چون گفته می‌شود که شاه مخلوع برای معالجه بیماری صعب‌العلاجی به نیویورک رفته است، بنا بر این وزارت امور خارجه ایران از مقامات مسئول آمریکائی این تعهد را گرفته است که شاه و فرح، دردمند اقامتشان در آمریکا، اقدام به انجام هیچ گونه فعالیت سیاسی نکنند!" (اطلاعات ۲۸ آبان ۵۸)

یک سخنگوی سفارت ایران در واشنگتن نیز به خبرنگاری فرانسوی گفت:

"با وجود اطمینان کافی که وزارت امور خارجه آمریکا داده است سفارت به تحقیقات لازم دست خواهد زد، تا معلوم شود که آیا شاه سابق حتماً بیمار است یا خیر و اگر مساله بیماری او حقیقت نداشته باشد، رسماً به دولت آمریکا اعتراض خواهد کرد." (اطلاعات، ۲ آبان ۵۸)

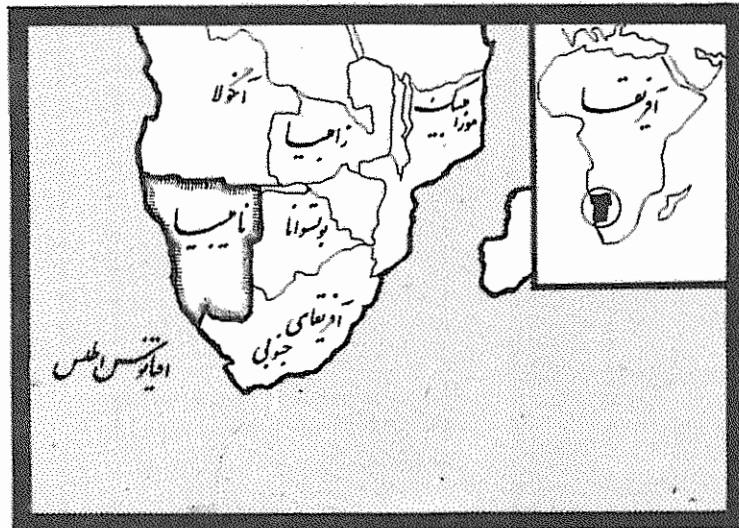
و این در حالی بود که، از نظر مردم ایران، انتقال حتی حازه شاه به آمریکا نیز یک اقدام سیاسی علیه انقلاب ایران تلقی می‌شد، چه برسد به رنده این خائن جنایتکار، که امپریالیست‌های آمریکائی و لیبرال‌های وطنی می‌کوشیدند تحت لوای "اسان دوستی" آن را لوت کنند.

دولت موقت لیبرال‌ها، که طی ۹ ماه حتی گامی برای اسرداد شاه خائن و قاتل ده‌ها هزارس از مردم انقلابی ایران برداشت و این عارنگر و جنایتکار بزرگ را با ثروت‌های غارت شده از مردم ایران، به حال خود رها کرد، اکنون، بی آن که حتی به خود اجازه اعتراض به دولت آمریکا را بدهد، بهانه‌های دولت آمریکا را درباره "اسان دوستی" نسبت به شاه ملعون باور می‌کرد و تأیید می‌نمود.

درست همان زمانی که ایران یکبارجه آتش و خشم بود و نفرت از امپریالیسم آمریکا، که به قاتل مردم ایران "بناه داده بود، از همه جا زبانه می‌کشید، لیبرال‌های دولت موقت، بدون اجازه امام خمینی، با برزینسکی به مذاکره نشستند، امری که سرانجام کاسه صبر امام خمینی و مردم را لبریز کرد.

ادامه دارد

# خلق نامی بیا در پیکار بخاطر استقلال و آزادی (۱)



## دانستنیهای چند درباره نامی بیا

نام: نامی بیا (نام استعماری:  
آفریقای جنوب غربی)  
مساحت: ۸۷۴۲۹۵ کیلومتر  
جمعیت: یک میلیون نفر  
شمار سفیدپوستان: ۱۰۰ هزار نفر  
پایتخت: اوتجوهوتیزه  
واحد پولی: راند (برابر با ۱٫۴۴ دلار)  
ثروت های طبیعی: معادن سرشار مس،  
نقره، طلا، الماس آهن، نفت و...



«میدانم که مبارزه طولانی و تلخ خواهد بود. اما همچنین اطمینان دارم که خلق من این مبارزه را به پیروزی قیمتی ادانم خواهد داد.»  
هرمان یاتویو، بنیانگذار «سواپو»

اعتدالی جنبش، خشونت پلیس نیز شدت گرفت. در روز ۱۰ دسامبر ۱۹۵۹ یازده تن کشته و ۵۴ تن زخمی شدند.  
هرگونه تظاهرات و اعتصاب خلق رزمنده نامی بیا به خون کشیده میشد. سرانجام مردم نامی بیا به این نتیجه رسیدند که برای کسب استقلال و آزادی و ایجاد دگرگونی بنیادی و رهایی از ستم ملی و طبقاتی، نمیتوان تنها بر مبارزات مسالمت آمیز تکیه داشت.  
بدین ترتیب، در روند گسترش یابنده جنبش، بانیوسن دیگر سازمانهای مترقی و انقلابی نامی بیا، و بخاطر پیشبرد مبارزه مسلحانه مردم، «سازمان خلق آفریقای جنوب غربی» «سواپو» جایگزین «سازمان خلق اووامبو» «ایبو» شد.

وایتک سواپو بیست و یکمین سال تاسیس خود را، با کوله باری از تجارب و کامیابی های گرانقدر، پشت سر می نهد.  
در ماده نخست اساسنامه «سازمان خلق آفریقای جنوب غربی» (سواپو) وظیفه اساسی سازمان چنین تصریح گردیده است:  
«سواپو یک جنبش آزادیبخش ملی، براساس همکاری آزاد و داوطلبانه فرزندان آزاده خلق نامی بیا است. این سازمان، پیشاهنگ سیاسی سازمان یافته خلق تحت ستم و استثمار نامی بیا است. سواپو در ایفای نقش پیشاهنگ توده های وسیع، زحمتکشان نامی بیا را در مبارزه بخاطر آزادی ملی و اجتماعی سازمان میدهد، متحد می سازد، الهام می بخشد، سمت میدهد و رهبری میکند.»  
ادامه دارد

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی هر جنبش اعتراضی را بشدت سرکوب می کرد. در سال ۱۹۲۲ مقاومت کارگران به خون کشیده شد و صدها تن کشته و ۴۶۸ تن زخمی برجای ماند.  
در سال ۱۹۲۵، در نتیجه اعتراض جمعی کارگران به قوانین و شرایط کار، گروهی از کارگران پیشرو و آگاه، زندانی و اخراج شدند.  
خلق نامی بیا، به تجربه سالها مبارزه بدون برنامه و رهبری واحد، که با طغیان های نام هماهنگ و پراکنده در راه سرنگونی نظام استعماری همراه بود، نمی توانست به پیروزی دست یابد. همگام با تعمیق و گسترش جنبش و افزایش فشارهای داخلی، زحمتکشان به ضرورت مبارزه متحد و سازمان یافته، به رهبری یک سازمان انقلابی و رزمنده، آگاهی یافتند.  
در نتیجه، در سال ۱۹۲۵، کارگران فصلی قبیله اووامبو، که برای کار توافر سادر «اتحادیه آفریقای جنوبی» (نام پیشین آفریقای جنوبی) کسب شده بودند، «سازمان خلق اووامبو» یا «ایبو» را به رهبری «توآوو - یاتوآوو» که امروز قهرمان ملی نامی بیاست، بوجود آوردند.  
«ایبو» با هدف دفاع از حقوق زحمتکشان و تدارک مبارزه گسترده در راه استقلال نامی بیا، آغاز به فعالیت کرد. ولی دیری نپایید که فعالیت سازمان، بخاطر اخراج «توآوو - یاتوآوو» از «جمهوری آفریقای جنوبی» متوقف شد.

پس از یکسال، «ایبو» توسط همزمان و بویژه کارگری بنام سامنجوما، با همکاری دانشجویان شهر کاپ در اوتجوهوتیزه (ونیدهوک) تجدید سازمان یافت. احیای این سازمان انقلابی، به اتکاء نیروهای اصیل، پیکر و مبارز کارگری، و پشتیبانی «حزب کمونیست آفریقای جنوبی» و «کنگره ملی آفریقا» صورت پذیرفت.

«سازمان خلق اووامبو» - «ایبو» با سازماندهی کارگران فصلی، بطور پیکر و خستگی ناپذیر می رزمید و از هیچ تلاشی جهت برقراری اتحاد اصولی و استوار با دیگر سازمان های استقلال طلب و جلب توده های وسیع به سازمان فروگذار نمی کرد. زیرا هدف ایجاد چنان سازمان فراگیر و سراسری بود که قادر به رهبری جنبش استقلال طلبانه مردم نامی بیا باشد. از اینرو، رهبران انقلابی «ایبو»، مانند سامنجوما و یاکوب کاهانگوا، در سال ۱۹۵۹، طی فراخوانی، خواستار تشکیل جبهه آزادیبخش خلق نامی بیا گردیدند.

فراخوان «سازمان خلق اووامبو» با استقبال چشمگیر اقشار و طبقات مردم روبرو شد. هزاران تن به صفوف «ایبو» پیوستند. میتینگهای بسابقه ای در شهرها برگزار شد. همزمان با

و همزمان با قیام هرروها، جبهه نبرد نوینی را کشودند. ولی این قیام، بخاطر عدم شرکت همزمان و هماهنگ دیگر قبایل، با شکست روبرو شد. آلمانی ها کلیه اعضای قبیله هرروها را به صحرای خشک و سوزان کالاهاری کوچاندند و به قتل عام بی رحمانه مردان، زنان و کودکان بی گناه مبادرت ورزیدند. این کشتار قساوت آمیز تاریخی، تحت فرماندهی کل قوای آلمان در نامی بیا، فن تروتما صورت پذیرفت.  
بدنبال این کشتار وحشیانه، هلدریک ویتوی پرچم مبارزه خونین خلق نامی بیا را با مبارزه مسلحانه بر ضد سلطه مرگبار استعمار برافراشت. خلق نامی بیا با شرکت وسیع در این پیکار حماسه آفرین، نهال استقلال و آزادی کشور خود را با خون آبیاری کرد. سرانجام شراره های پر فروز قیام خلق در سال ۱۹۰۹، در دریای خون و خشم مردم و دن زیر رگبار بی پایان گلوله، برای مدت کوتاهی به خاموشی گرائید.

در مدت این پنجسال، هرروها سه گین - ترین ضربات را تحمل کردند، بطوری که بعد از قتل عام هشتاد هزار تن از اعضای این قبیله، تنها ۲۰ هزارتن برای ادامه زندگی ستیبار و پیکار سامان ساز دیگر، جان سالم بدر بردند.  
جنگ اول جهانی به سلطه استعماری آلمان پایان بخشید. ولی نامی بیا همچنان در اسارت استعمارگران باقی ماند. پس از امضای قرارداد صلح، «اتحادیه آفریقای جنوبی»، با حکم «جامعه ملل» و بانوید اعطای آزادی و حق تعیین سرنوشت مستقلانه به مردم نامی بیا، بر کشور تسلط یافت.

### تشکیل سازمان رزمنده خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو)

سلطه جویان آفریقای جنوبی برای غارت بی بندوبار و فرو نشاندن موج جنبش انقلابی مردم نامی بیا، یکرشته قوانین ضد انسانی نژادپرستانه تصویب کردند و در سایه تقسیم کشور به ده فزادبوم و اعمال خشونت بار پلیسی، آنها را به اجرا گذاردند.

در روند مبارزات استقلال طلبانه، آگاهی کارگران و دیگر زحمتکشان بطور روز افزونی بالا میرفت. کارگران بخاطر وجود کاستی های اقتصادی - اجتماعی و شرایط شاق حاکم بر محیط کار، هر روز با شور انقلابی بیشتری با به عرصه مبارزه می نهادند. کم کاری و اعتصاب کارگران فصلی در معادن الماس شکل جنبشی مبارزه علیه ستم و استثمار سلطه گران آفریقای جنوبی بود.

### چکیده ای از تاریخ اشغال نامی بیا توسط استعمارگران و پایداری قهرمانانه خلق نامی بیا در برابر استعمارگران

استعمارگران آلمانی، انگلیسی و پرتغالی، در اواخر سنه نوزدهم، با تدارک و زمینه سازی بیش از یک قرن، از طریق صدور جاسوسان خود در پوشش «مبلغین مسیحی»، «رسولان صلح» و «امدادگران بشردوستانه»، با بهره جویی از عقب ماندگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و با شعله و رساختن آتش نفق و دوگانگی بین سران قبایل، برای دست اندازی بر ثروت های سرشار طبیعی و غارت بی حساب مردم نامی بیا، سلطه خونبارشان را بر این خلق ستمدیده تحمیل کردند.

آلمان استعماری مقاومت های پراکنده و خود بخودی برخی قبایل را، که در جنوب و مرکز نامی بیا می زیستند، درهم شکست و با زیربانیان حقوق مردم محروم نامی بیا، بر اساس توافق با انگلستان و پرتغال، این سرزمین را «آفریقای جنوب غربی» نامید. آنگاه، استعمارگران آلمانی برای تحکیم سیطره جا برانه خود و سرکوب مقاومت سرزمین های اووامبوها و کاهانگوا و کاپریون های شرقی، در پیکاری فرساینده و خونین با مردم نامی بیا درگیر شدند. آنها تلاش می ورزیدند که خلق نامی بیا را از طریق اعمال فشارها و تضییقات اقتصادی و اجتماعی گوناگون، مذاکره ظاهری برای حل صلح آمیز خواستهای آنها و کشتار در عمل، به زانو در آورند. ولی خلق نامی بیا، از میان گلوله و آتش و خون بیخاست و شکست ناپذیری خلق را به نمایش گذارد. تجلی نمونه وار این پایداری در مقابل استعمارگران اشغالگر، برای رهائی از ستم و استثمار در راه کسب استقلال و آزادی را در سنگر همواره فرزندان و تسخیر ناپذیر قبیله هرروها میتوان یافت. مقاومت قهرمانانه هرروها، در پیامد مذاکرات بی ثمر صلح آمیزشان، به جنگهای چریکی انجامید. یکی از چهره های درخشان این جنگها، هندریک ویتوی بود، که ده سال پیکرانه علیه استعمارگران آلمانی رزمید، و هنگامیکه در سال ۱۸۹۴ جنبش مقاومت تمام قبایل جنوب را رهبری میکرد، دستگیر شد.

در سال ۱۹۰۴ هرروها، در ادامه مبارزه استقلال طلبانه خلق نامی بیا، دیگر قبایل ساکن کشور، بویژه اووامبوها و ناماها را به اتحاد عمل و مبارزه مشترک فراخواندند. اووامبوها به ندای استقلال طلبانه هرروها پاسخ مثبت دادند

### در شهرستان فومن:

## ضد انقلاب، شیطان بزرگ را از زیر ضربه خارج می کند

است، در زیر می آید:

امام خمینی: این تکلیفی است برای همه جوانان ایران و برای همه ملت که در چنین وقت حساس اختلاف نکنند.  
حجت الاسلام خامنه ای: مردم بدانید، شیطان بزرگ آمریکا و شیطانهای کوچک در سراسر منطقه و در داخل ایران در کمینند.  
ما توجه مقامات مسئول شهرستان فومن را به این مسئله مهم جلب می کنیم و مصرانه خواستار مقابله جدی با ستون پنجم دشمن، که این چنین شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار و مزدورانش را از زیر ضربه خارج می کند، هستیم.

در شرایطی که توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن علیه جمهوری اسلامی ایران هر روز ابعاد تازه ای بخود می گیرد و لزوم افشای این توطئه برای مردم بیش از هر زمان احساس میشود، دستهای مشکوکی در شهرستان فومن پیکار افتاده است، تا مانع از افشای ضد انقلاب و جلب هوشیاری مردم گردد. از جمله روز سه شنبه ۲ دیماه ۵۹، روی کلیه تابلوهایی که محتوی همه آنان، جملات و هشدارهای امام خمینی و مسئولان جمهوری اسلامی ایران و افشای توطئه های امپریالیسم آمریکا بود، شعارهای ضد انقلابی نوشته بودند. نمونه از شعارهای درج شده در تابلوها، که ضد انقلاب با آن مخالف

**کمک مالی به حزب توده ایران، تک و وطنه انقلابی است!**

سازمان حزب در شاهرود  
۱۰۰۰۰۰ ریال  
رفقای جنگزده آبادانی و خرمشهری در ماهشهر ۱۲۶۰۰ ریال  
خانواده شهید سیمین  
سلامی زاده ۲۵۰۰۰ ریال  
حیدرقلی قاسمی ۲۰۰ ریال  
ح. از جناح بستک ۲۰۰۰ ریال

سیروس از امارات  
متحد عربی ۱۸۰۰۰ ریال  
سیفاز امارات  
متحد عربی ۵۰۰۰ ریال  
ع. از جناح بستک ۲۵۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کمینش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاسمی بپردازند.



### السالوادور: رژیم دست نشانده آمریکا در آستانه سقوط

جبهه آزادی بخش ملی السالوادور بنام «فارا بوندو مارتی» از اهالی این کشور دعوت کرد که خود را برای نبرد قطعی با نیروهای هیئت حاکمه دست نشانده آمریکا و در راه استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی آماده سازند. این دعوت را رادیو زیرزمینی جبهه بنام «لیبراسیون» پخش کرد. این رادیو گفت که رژیمهایی که به سیاست نژادگسی علیه مردم ادامه میدهند، باید سرنگون شوند.

### دولت افغانستان بار دیگر آمادگی خود برای مذاکره با ایران و پاکستان را اعلام کرد

مقامهای وزارت خارجه هند، اقدام افغانستان را گامی به جلو برای حل و فصل اوضاع منطقه خواندند. دولت افغانستان ابراز آمادگی کرد که با حضور و میانجیگری نماینده ویژه سازمان ملل متحد، مذاکرات با ایران و پاکستان را برای حل و فصل سیاسی اوضاعی که پیرامون افغانستان بوجود آمده، آغاز کند. این آمادگی دولت افغانستان در پیامی از سوی بزرگ کارمل، رهبر افغانستان، به بانو ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، اطلاع داده شد. پیام بزرگ کارمل، توسط بانو دکتر آناهیتا راتبزاده، وزیر آموزش و پرورش افغانستان، تسلیم بانو گاندی شد.

### معاون سابق فرماندهی «ناتو»: کشورهای سوسیالیستی خواهان صلح اند

نینو پاستی، سناتور ایتالیایی و معاون سابق فرماندهی کل نیروهای مسلح پیمان «ناتو» در اروپا، اظهار داشت که ادعاها درباره متجاوز بودن کشورهای سوسیالیستی صحت ندارد. وی طی مصاحبه‌ای با نماینده روزنامه «پونگه ولت»، چاپ جمهوری دموکراتیک آلمان، خاطر نشان ساخت که کشورهای عضو پیمان ورشو برای دفاع از صلح، نصف میلی را صرف می کنند که پیمان «ناتو» و چین برای مقاصد نظامی تخصیص میدهند. نینو پاستی یادآور شد که کشورهای سوسیالیستی همچنین اظهار آمادگی کرده اند که قسمتی از وجوهاتی را که برای تولید اسلحه به مصرف میرسد، برای مقاصد صلح آمیز بکار برند.

نامه مردم  
آنگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست  
NAMEH MARDOM  
No. 416  
11 January 1981  
Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.  
خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران

### یادداشتی بر فیلم: نامت را بخاطر بسپار

## عشق به انسان، نفرت از جنگ و فاشیسم

نامت را بخاطر بسپار (۲۰ اصله: دو مادر قهرمان) کارگردان: سرگئی کولوسوف بازی: لودمیلا کازانتکینا (زینا)، لودمیلا ایوانووا (نادزدا) محصول مشترک سینمای شوروی و لهستان محل نمایش: سینما شپرقصه

از يك داستان واقعی و ترازیک این مادر و پسر است. داستان ستایش يك دوستی واقعی و یاری متقابل است. اگر در جبهه نازیها چیزی غیر از شکنجه و ستم نیست،

نامت را بخاطر بسپار، داستان زندگی زنی است که سالهای جنگ را در اردوگاه مرگ «آشویتس» گذرانده است، پسر کوچکش را نازیها از آغوشش بیرون کشیده اند و پس از آزادی، ۲۰ سال را به جستجوی او گذرانده است.

خوشترین و روشترین روزهای زندگی این زن - زینا - تلخترین آن هم هست. او تنها چند ساعت قبل از حمله نازیها به شهرش، اولین فرزند خود را دنیا می آورد. نازیها، همزمان با اولین گریه نوزاد، از راه میرسند، زنان و کارکنان بیمارستان میکوشند بگریزند. اما تلاش آنها بجائی نمیرسد. نازیها، دهقان جوانی را، که به یاری آنها شتافته، و همه کارکنان بیمارستان را تیرباران می کنند و زنان و کودکان را به اسارت می برند. کابوس طولانی بردگی زینا آغاز میشود.

زنها و کودکان را به جهنم قرن بیستم می برند. به اردوگاه مرگ، به آشویتس، صحنه های اردوگاه مرگ، صحنه های وحشتناک و لرزاننده ای است. زینا و سایر اسیران، زیر بار طاقت فرسا و کمر شکن اردوگاه، گرسنگی و محرومیت، سرما و بیماریهای گوناگون خرد میشوند. گنا - فرزند زینا - مانند دیگر کودکان اسیر، جهان را در اسارت می شناسد. ترس و لرز، شکنجه و آزار. در این جهان اسارت، که دنیای «آزاد» خالق آنست، غیر از این چیزی نیست. گنا اولین گامهای کودکی را، همراه هزاران کودک دیگر، در اسارت و راهیماییهای طولانی از این اردوگاه به آن اردوگاه بر میدارد. ولی هنوز بدبختیهای بزرگتری در انتظار مادر و فرزند - بعنوان نمونه ای از همه مادران و فرزندان - است. یکروز افسران نازی، همه کودکان را، به پناه رعایت بهداشت و آموزش، از مادران خود جدا میکنند و به سلولهای ویژه می برند، جایی که کودکان چون خوکچه های آزمایشگاهی مورد مطالعات ظالمانه پزشکی قرار می گیرند. هنگامیکه نازیها از برابری ارتش شوروی در حال عقب نشینی هستند، اسیران را به اردوگاه دیگری منتقل می کنند. مادر و پسر بکلی از هم جدا میشوند، این جدائی ۲۰ سال بطول می انجامد.

بعد از پایان جنگ، زینا، که شوهرش هم در جنگ شهید شده است، در مقام مدیریت بخشی از يك کارخانه بزرگ تلویزیون سازی جست و جو. را آغاز می کند و سرانجام فرزند خویش را می یابد. و در این یافتن، در پیوند دوباره مادر و فرزند، آنقدر که رنج هست، لذت نیست. آنچه سروشت مادر و فرزند را بهم پیوند داده، زجری است به ژرفای جنایت نازیها.

نامت را بخاطر بسپار، چیزی بیشتر

## هنر

اگر جبهه سرمایه هدیهای غیر از سلاخان و جلاخان ندارد، ولی در جبهه مقابل، در جبهه کار و سوسیالیسم، ایستادگی و امید حاکم است. امید و دوستی است که از اعناق اردوگاه مرگ میدرخشد و به انسانهای بی دفاع برای دستیابی به آرمان- هایشان یاری مقاومت میدهد. مظهر این دوستی بی شائبه نادیا است، زنی که دخترکش را نازیها کشته اند و خود به زینا کمک میکند تا زندگی دوباره را بیابد. هالینا، زن لهستانی، که گنا را بزرگ می کند و به مقام ناخدائی يك کشتی بزرگ میرساند، یکی دیگر از قهرمانان فراموش- نشدنی فیلم است، که برغم عشق شدید مادرانه اش به گنا او را تشویق میکند که به دیدار مادر واقعی اش بشتابد.

«نامت را بخاطر بسپار»، يك فیلم اخلاق و انسانی است، که از عشق به انسان و نفرت از جنگ و فاشیسم سرشار است. در رساندن این پیامها به تماشاگر، کارگردانی مسلط فیلم نقش ارزنده ای دارد. زبان سینمایی فیلم نیز بسیار موفق است. برای مثال در صحنه ای که: زینا تلفنی از پیدا شدن پسرش باخبر میشود، تمام هیجان، شادی آمیخته به دلهره و وضعیت روحیش با تماشاگر تقسیم میشود. بازی یکدست هنرپیشه های فیلم هم که حاکی از کار خلاق جمعی در هنر است. نیز از ویژگیهای قابل تحسین فیلم است.



نازیها کودکان را از آغوش مادران می ربایند.

## يك اثر با ۴۸ اجرا!

ایستا، رنگهای ترکیبی تیره، فضای پررخت، با پس زمینه هائی یکسان - دیوارهای کاهکلی ترک برداشته و اینجا و آنجا فروریخته - و با پیش زمینه هایی که گاه يك زن، گاه يك مرد - و در آخرین کارهایش - يك بچه، فضا را اشغال کرده، به صورت مجلس برداری از واقعیت مسخ شده در ذهنیت هنریش می نشیند، که پیش از انقلاب اینکار را می کرد، گیرم که بیشتر «بدون عنوان» می کشید و حالا «بچه های ایرانی» در سنین، جنسها و زاریهای متفاوت: ۵ساله؛ ۶ساله؛ ۱۰ساله؛ دختر؛ پسر؛ از زورپرو، نیم رخ، تک تک، دوتا دوتا و... و همه محبوس در فضایی سنگین، رنگهای تیره و عبوس و ریتی کند، اگر نه ساکن!

ریش تراشی... را بکار گرفته. انقلاب نه از نظر تاثیر بر ساختار اثر، نه سبک و نه شکلهای هنری گونه گون برای خاکدان چیز نوینی به ارمغان نیاورده؛ همانگونه که مجموعه این ۳ وجه بر مظاهر زیبایی شناسی اثر، مثل شکل و محتوی... مطلقاً ناآثیری نداشته است.

از نظر جامعه شناسی رابطه هنر و انقلاب نیز کارهای خاکدان، نسبت به کسانی که انقلاب را به انجام رساندند و از این رو مضمون آنها تعیین کردند و نسبت به خواسته های آنان بی اعتناست. هیچ يك از نیازهای انقلاب و انقلابیون در آثار اومتیلور نشده؛ در يك کلام، طوفان انقلاب، تنها گرد تیه های بر آثار خاکدان نشاند، که گهگاه در این و آن مضمون ناهمخوان با شکل نمایانده می شود.

خاکدان با همان لحن غمبار، آهنگ

کالری شماره ۲ موزه هنرهای معاصر تهران، این بار به نمایش ۴۸ اثر رنگ روغن -مداد رنگی روی کاغذ- و گواش و مداد رنگی واحد خاکدان اختصاص دارد، که تاریخ سالهای ۵۶ تا ۵۹ را بر خود دارند و البته که بخش اعظم آنها، با عنوانهای «بچه های ایرانی»، «بچه های دزفول»، «برگهای سبز جنوب» در سال ۵۹ و با مداد رنگی روی کاغذ طرح خورده است.

مقایسه کارهای پیش از انقلاب واحد خاکدان با آثار پس از انقلاب، که در نمایشگاه ارائه داده، بازگوگر هیچ تحولی نیست. خاکدان پیش از انقلاب، که «بدون عنوان» هایش را در سال ۵۶ نقاشی کرده و از «موتیفهای ابروروزنامه وساعت و فرجه ریش تراشی...» استفاده کرده، همان خاکدان پس از انقلاب است که طبیعت بیجان سال ۵۹ را تجسم بخشیده و لامپ و بطری کوکاکولا و آئینه و باز فرچه های صنعتی کار میکنند.